

کلام و عرفان



پاہنچ کا نہیوں

* قبرعلی صمدی

چکیده

در مقاله قبلی تحت عنوان «نقش مردم در تعجیل ظهور»، تأثیر نقش‌آفرینی مردم و رویکردهای بشری در بسترسازی و تحقق وعده ظهور، مورد بررسی قرار گرفت. در این قسمت به تبیین و بررسی ضرورت‌ها، عوامل و بایسته‌های تحقق ظهور، به منظور شناخت تکالیف عصر انتظار خواهیم پرداخت در این راستا، توجه به الزامات و راهبردهای تحقق ظهور، مهم‌ترین و مبرم‌ترین نیازی است که سزاوار است در عرصه پژوهش‌های مهدوی، مورد اهتمام جدی قرار گیرد.

در این نوشتار، نگارنده سعی نموده است مهم‌ترین بایسته‌های اعتقادی و عملی انتظار ظهور و لزوم فراهم‌سازی زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی حرکت به سوی تحقق این ایده الهی و نجات‌بخش را مورد توجه قرار دهد.

واژگان کلیدی

ظهور، تعجیل، بایسته‌ها، امام عصر ، معرفت، زمینه‌سازی، آمادگی.

مقدمه

یکی از مسائل مهم و کاربردی درباره مهدویت و انتظار ظهور، شناخت ضرورت‌ها و بایسته‌های تحقق ظهور است. تشید حالت انتظار، ایجاد آمادگی و به کارگیری عوامل زمینه‌ساز، برای شتاب بخشیدن به فرآیند ظهور و تحقق وعده الهی از بایسته‌های ظهور به شمار می‌روند. همچنان که انتظار چیزی کشیدن، بدون توجه و آمادگی امکان نمی‌پذیرد، شتاب کردن برای رسیدن به آن چیز نیز بی‌آمادگی، تلاش و تکاپوی دو چندان امکان‌پذیر نباشد.

این مقاله به بررسی زمینه‌ها و عوامل فکری، اعتقادی یا عملی و رفتاری مؤثر در تحقق ظهور و تعجیل در آن می‌پردازد. این بحث بر اصل «فرآیند پذیری پدیده ظهور»،^۱ یعنی تأثیرگذاری انسان در سرعت بخشی به ظهور و ایجاد زمینه‌های آن و ارتباطش با اوضاع و روی‌کردهای گوناگون جامعه بشری استوار است.

در این زمینه، ضرورت‌ها، اولویت‌ها و بایسته‌های فراوانی در قالب وظیفه‌های فردی و اجتماعی و دستورالعمل‌های عصر انتظار طرح شدنی است. این نوشتار، مهم‌ترین بایسته‌ها و تکلیف‌های اعتقادی و عملی این دوره را تبیین می‌کند.

معرفت امام عصر

بایستگی «معرفت»، یعنی شناخت امام و اوصاف او کلیدی‌ترین عنصر بایسته‌های اعتقادی است که بسیاری از مباحث مهدویت بر پایه آن استوار است؛ زیرا بایسته‌های عملی نیز از بایستگی اعتقادی معرفت، سرچشمۀ می‌گیرند و آن‌چه در حوزه بایسته‌های عملی طرح شدنی است، از آثار و لوازم این بایستگی به شمار می‌رود. شناخت امام عصر و شناساندن جایگاه او، تعریف و تعیین کننده حقوق امام و مردم و بنیاد همه تکلیف‌ها و بایسته‌های عملی است. معرفت تنها به معنای شناخت شناسنامه‌ای امام، یعنی دانستن اسم و نسب و ویژگی‌های ظاهری او نیست، بلکه ایمان و اعتقاد قلبی مردم به مقام الهی امام عصر و توجه آنان به جایگاه بلند دینی، سیاسی و اجتماعی او در عصر حاضر مقصود است. اندیشه انتظار ظهور بر پایه چنین شناخت و معرفتی قرار دارد و بدون آن حرکت کردن در جاده انتظار، ممکن نیست.

از این‌رو، ضرورت، مؤلفه‌ها و آثار آن باید بررسی شود.

ضرورت معرفت

عنصر شناخت امام عصر و اعتقاد قلبی به امامت او در فرهنگ دینی، چنان مهم و کلیدی است که احادیث متواتری، بود و نبود آن را معیار ایمان و کفر بر شمرده‌اند. پیامبر اکرم می‌فرماید:

من مات و لم یعرف إمام زمانه مات میتة الجahiliyah^۲

معرفت تنها به معنای
شناخت شناسنامه‌ای
امام، یعنی دانستن اسم
و نسب و ویژگی‌های
ظاهری او نیست، بلکه
ایمان و اعتقاد قلبی
مردم به مقام الهی امام
عصر و توجه آنان
به جایگاه بلند دینی،
سیاسی و اجتماعی او
در عصر حاضر مقصود
است. اندیشه انتظار
ظهور بر پایه چنین
شناخت و معرفتی قرار
دارد و بدون آن حرکت
کردن در جاده انتظار،
ممکن نیست.

هر کس بمیرد در حالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی و بی دینی مرده است.

این حدیث، با عبارت‌های گوناگونی به طور مستفیض در منابع حدیثی فریقین (شیعه و سنی)، آمده است:

من مات بغير إمام مات ميتة الجاهلية.^۳

من مات وليس في عنقه بيعة مات ميتة الجاهلية.^۴

من مات وليس عليه إمام حيّ يعرفه، مات ميتة جاهلية.^۵

من مات ولم يعرف إمام زمانه...^۶

همه اینها اهمیت کلیدی معرفت امام و حجت زنده الهی را در هر زمان نشان می‌دهد، به گونه‌ای که نشناختن او با بی دینی و مردن به مرگ جاهلیت، برابر است و حتی اندکی کوتاهی در آن پذیرفته نیست.

امام باقر می‌فرماید:

لا يعذر الناس حتى يعرفوا إمامهم؛^۷

مردم هیچ‌کدام در مورد شناخت امام و حجت عصر، معاف و مذور نمی‌باشند.

امام صادق نیز به یحیی، می‌فرماید:

يا يحيى من بات ليلة لا يعرف فيه إمام زمانه مات ميتة جاهلية؛^۸

هر کس حتی یک شب بدون معرفت امام زمانش بخوابد، به مرگ جاهلیت مرده است.

در این کلام حضرت، تعبیر «مات» وجود ندارد و ایشان به طور مطلق فرموده و آن را ویژه مردن در آن شب ندانسته است. این دو و احادیث مشابه آن، گویای اهمیت فراوان مسئله معرفت امام در هر عصری است.

راز تأکید این روایتها بر لزوم معرفت امام و حجت حی، در پیوند مسئله امامت با نبوت و توحید نهفته است. امام در فرهنگ اعتقادی شیعه، همانند پیامبر مسئولیت هدایت و دین ورزی مردم را بر عهده دارد. از این‌رو، امام صادق به زراره دعایی آموخت تا شناخت خالق، پیامبر و حجت او را از خداوند بخواهد. امام در آن دعا، کلید معرفت خدا و پیامبر را معرفت حجت یعنی امام تأکید کرده‌اند:

عصر دانسته است.

آن حضرت در جای دیگری به زراره سفارش می‌کند که در صورت در ک زمان غیبت قائم، پیوسته بخواند:

اللَّهُمَّ عَرَفْتِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرَفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَّلْتَنِي
بِدِينِي؛^۹

خدایا حجت را به من بشناسان، اگر معرفت حجت را به من ندهی، گمراخ خواهم شد. [و بدون امام و راهبر، بی‌راه خواهم رفت؛ چون او مایه هدایت و بقای دیانت و ایمان است.]

مؤلفه‌های معرفت

معرفت شخص امام، مقام و اوصاف و ویژگی‌های او، سه عنصر مهم «معرفت امام» در اندیشه کلامی شیعه به شمار می‌رود.

الف) معرفت به شخص امام

دانستن زمان تولد و اسم و نسب امام، یعنی این که ایشان فرزند امام حسن عسکری و آخرين وصی پیامبر است و نیز اعتقاد به این که هم‌اکنون زنده است و به دلیل مصلحتی الهی در پس پرده غیبت به سر می‌برد، معرفت شخص امام را در پی می‌آورد. ویژگی‌های شخصی آن حضرت، در برخی از روایتها آمده است.

ابوذر از پیامبر نقل می‌کند:

الأئمّة من بعدى اثناعشر، تسعه من صلب الحسين تاسعهم قائمهم. ثم قال: ألا إن مثّلهم فيكم مثل سفينة نوح من ركبها نجحى و من تحلف عنها هلك؟^{۱۰}
امامان بعد از من دوازده نفرند، نه نفر آنان از نسل حسینتند که نهmin آنان قائم آنان است. آگاه باشید که داستان بودن آنان در میان شما همانند داستان کشتنی نوح است. هر کس به آن کشتنی متمسک شود، نجات می‌یابد و هر که از آن فاصله گیرد، هلاک می‌شود.

روایت‌های دیگری نیز مانند روایت زیر بر ضرورت اعتقاد به امامت ائمه و شناخت تک‌تک آنان، بویژه امام عصر ، تأکید کرده‌اند:

إنَّ الْأَئمَّةَ مِنْ بَعْدِ إِثْنَيْ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ، عَلَىٰ أَوْلُهُمْ وَأَوْسَطُهُمْ مُحَمَّدٌ وَآخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ
مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأَمَّةِ الَّذِي سِيَصْلِي خَلْفَهُ عِيسَىٰ بْنُ مَرِيمٍ^{۱۱}
امامان پس از من دوازده نفر از اهل بیت من هستند. اولی آنها علی و وسطی ایشان
محمد و آخرینشان محمد است و او مهدی این امت است؛ کسی که عیسی بن
مریم پشت سرش نماز گذارد.

ب) معرفت به مقام امام

معرفت مقام امام به معنای اعتقاد به الهی بودن منصب امامت و شناخت جایگاه امام و
خلیفه پس از پیامبر است. اعتقاد به انتصابی بودن منصب امامت و نابشری بودن آن
مقام، از کلیدی ترین مباحث کلامی شیعه درباره امامت خاصه، شمرده می شود. امامت و
امام‌شناسی، موضوعی کلامی و از مهم‌ترین اصول اعتقادی دین و شالوده اندیشه شیعه است
و از فروع دین یا مسئله‌ای فقهی به شمار نمی‌رود. دلایل این سخن در بحث از امامت خاصه
آمده است.

ج) معرفت اوصاف امام

امام عصر از مقام عصمت، امامت و ولایت، علم لدنی و غیبی و دیگر ویژگی‌های
شخصیتی برخوردار است. شناخت این اوصاف و اعتقاد قلبی به آنان معرفت اوصاف امام را به
دنبال می‌آورد. دلایل وجود این ویژگی‌ها در امام^{۱۲} نیز در جای خود آمده است.

نصاب معرفت امام

شناخت امام و شئون تکوینی و تشریعی مقام امامت، با توجه به اندازه فهم و درک افراد،
مراتب گوناگونی دارد، یعنی هرکسی به فراخور تلاش و استعداد عقلی اش به درجه خاصی
از معرفت دست می‌یابد. پایین‌ترین میزان معرفت به امام، که در آن صورت نبود معرفت، با
جاهلیت و بی‌دینی برابری خواهد کرد، چه اندازه است؟
امام صادق، همسنگ دانستن امام را با پیامبر اکرم^{۱۳}، حداقل معرفت به امام دانسته
است:

أدنى معرفة الإمام أنه عدل النبي إلا درجة النبوة ووارثه وأن طاعته طاعة الله وطاعة رسول الله
والتسليم له في كل أمر والردد إليه والأخذ بقوله ويعلم أن الإمام بعد رسول الله ،
على بن أبي طالب وبعده الحسن ثم الحسين ... والمحجة من ولد الحسن^{۱۴}،
كم ترین درجه معرفت امام، اعتقاد به هم وزن و هم شان بودن امام با پیامبر است، مگر
در شان و مرتبه نبوت که از این نظر، امام وارث پیامبر است و اطاعت او اطاعت خدا
و پیامبر خدا، فرمانبری از او، واگذاری امور به او، عمل به گفته‌های او و اعتقاد به
این موضوع که بعد از پیامبر على بن ابی طالب و بعد از او حسن و حسین تا
حضرت حجت، جانشینان پیامبر و پیشوایان مسلمینند که خداوند آنان را بدين منصب

راز تأکید این روایت‌ها
بر لزوم معرفت امام
و حجت حی، در پیوند
مسئله امامت با نبوت
و توحید نهفته است.
امام در فرهنگ اعتقادی
شیعه، همانند پیامبر
مسئلولیت هدایت و
دین ورزی مردم را
بر عهده دارد. از این‌رو،
امام صادق به
زاره دعایی آموخت تا
شناخت خالق، پیامبر
و حجت او را از خداوند
بخواهد. امام در آن
دعای، کلید معرفت خدا و
پیامبر را معرفت حجت
یعنی امام عصر
دانسته است.

پنجم. اعتقاد به ظهور امام عصر در آینده برای گستراندن دین و عدالت در جهان.

نبود هریک از این عناصر، شناخت نادرست امام را در پی می‌آورد و حرکت کردن را در جاده انتظار، ناممکن می‌کند.

روش‌شناسی معرفت امام عصر

شناخت جایگاه تکوینی امام عصر در جهان، حس نیازمندی به آن حضرت را، در انسان ایجاد می‌کند، یعنی اگر انسان جایگاه محوری امام را در نظام هستی درک نکند، خود را نیازمند به او نمی‌بیند تا شأن ولایت و تشریعی اش را پاس بدارد و از سر خردورزی و روشن‌بینی و نامقلدانه از او پیروی کند و او را همسنگ پیامبر بداند.

اما هنگامی که انسان به رهبری دینی و سیاسی امام عصر باور دارد و او را واسطه میان خلق و خالق می‌داند، نه تنها وی را در معرفت تشریعی معادل پیامبر و مطاع مطلق می‌خواند، که در تکوین نیز خود را نیازمند به او و ناگزیر به او می‌بیند.

پیدایی چنین نگرش و حس مبارکی در انسان، عشق به امام را، در درون انسان پدید می‌آورد و او نه تنها برای برآوردن نیاز خود به سوی امام، رو می‌آورد، که حجت عصر را «تنها راه» نجات و یگانه پناه خویش می‌خواند.

از این‌رو، برای این که انسان در حوزه سطحی معرفتی اش، به انحراف در امام‌شناسی دچار نگردد و امام را با دیگر رهبران سیاسی و زعیمان حکومت نسنجد، از دیدگاهی کلامی به این موضوع باید بنگردد، یعنی به شئون تکوینی و جایگاه ولایت امام در عالم هستی، باید توجه کند؛ زیرا شئون تشریعی (رهبری دینی و سیاسی) او پدیده‌ای اعتباری و برخاسته از شئون حقیقی و تکوینی مقام امامت است.

بنابراین، افزون بر این که امام عصر رهبر الهی و زعیم دینی و سیاسی مردم به شمار می‌رود، فرمان‌روای جهان تکوین، ولیّ نعمت، واسطه فیض الهی و برکت‌های زمینی و آسمانی و مایه بقای عالم هستی است.

القائم المنتظر المهدى المرجى الذى يبقاءه بقائه بقىت الدنيا و بيمته

رزق الورى و بوجوده ثبتت الأرض والسماء...^{۱۵}

امام قائمی که امیدها و چشمها در انتظار آمدن او دوخته

برگزیده است.

بنابراین کلام امام صادق ، پایین‌ترین درجه معرفت امام، هموزن دانستن امام با پیامبر در همه شئون ولایت به جز نبوت است. و راه به دست آوردن معرفت تنها در دیدگاه کلامی امامیه است؛ زیرا تنها شیعیانند که خلفای پیامبر را دوازده امام معصوم می‌دانند و خاستگاه امامت و خلافت واقعی، فقط در بینش کلامی آنان وجود دارد.

البته باید توجه داشت که به دلیل عمق و گستردگی ابعاد مقام امامت، در حقیقت و ژرفای شخصیت امام برای افراد عادی، ناممکن است.

امام رضا در این‌باره می‌فرماید:

فمن ذا الذى يبلغ معرفت الإمام أو يمكنه اختياره هيئات هيئات! ضللت العقول و تاحت الحلوم و حارت الالباب و خسئت العيون و تصاغرت العظام و تحيرت الحكماء و... عن وصف شأن من شأنه أو فضيلة من فضائله!^{۱۶}

چگونه ممکن است اندیشه و فهم مردم، حقیقت مقام امام را درک کند تا بتوانند امام را اختیار نمایند؟ عقل‌ها و اندیشه‌ها هرگز به عمق آن دست نیابند، صاحبان خرد از درک آن همواره حیران باشند، نوابغ و تیزهوشان پیوسته از دیدن آن چشم فرو بندند و بزرگان و دانشمندان پیاپی از بیان حتی یکی از صفات آن و یکی از فضایل آن، دربمانند.

بنابراین، به دلیل گنجایی نداشتن فهم و خرد بشر و ناتوانی علمی او انتظار تحقق شناخت و معرفت حقیقت مقام امام ، نامعقول است. ولذا کسی بدان مکلف نیست، بلکه آن‌چه برای حیات دینی - اعتقادی انسان ضرورت دارد، معرفت حداقلی به امام عصر است که آموزه‌های دینی، آن را تکلیفی همگانی شمرده‌اند.

عنصرهای اعتقادی زیر در معرفت حداقلی وجود دارند: یکم. اعتقاد به ضرورت وجود امام و حجت الهی در هر عصر؛

دوم. اعتقاد به تولد و حیات بالفعل امام عصر ؛

سوم. اعتقاد به مقام امامت و ولایت امام عصر ؛

چهارم. اعتقاد به غایب بودن امام عصر در این زمان؛

شناخت جایگاه تکوینی امام عصر در جهان، حس نیازمندی به آن حضرت را، در انسان ایجاد می‌کند، یعنی اگر انسان جایگاه محوری امام را در نظام هستی درک نکند، خود را نیازمند به او نمی‌بیند تا شأن ولایی و تشریعی اش را پاس بدارد و از سر خردورزی و روشن‌بینی و نامقلدانه از او پیروی کند و او را همسنگ پیامبر بداند.

شده است، کسی که به برکت وجود او جهان هستی باقی و برقرار مانده است.

این نگرش، زمینه را برای طرح دیگر مباحث امامت و مهدویت، فراهم می‌آورد و تفاوت جوهری امامت شیعه را با خلافت و سلطنت اهل سنت، آشکار می‌سازد. آن گاه هر انسان بالنصاف و اندیشه‌وری، به روشنی خواهد دانست که «عصمت»، نخستین شرط جانشینی پیامبر شمرده می‌شود. این معرفت حداقلی، با نگرش کلامی شیعه به دست خواهد آمد.

انسان در پرتو چنین معرفتی، نور می‌گیرد و به دلیل چنگ زدن به ریسمان هدایت (حبل الله) و برقرار ساختن رابطه با خدا، پیامبر و امام عصر، پیوسته از خدا می‌خواهد که این پیوند را ناگستنی گرداند و چنین نجوا می‌کند:

اللَّهُمَّ عَرَفْتِنِي نَفْسِكَ إِنْ لَمْ تَعْرَفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْنِي نَبِيًّاكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَبِيًّاكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرَفْنِي نَبِيًّاكَ لَمْ أَعْرِفْ حِجْتَكَ، اللَّهُمَّ عَرَفْنِي حِجْتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرَفْنِي حِجْتَكَ ضَلَّتِ
عَنِ دِينِي؛^{۱۶}

خدایا خودت، خودت را برایم بشناسان که اگر خودت را برم نشناسانی پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا پیامبرت را برایم بشناسان و گرنه حجت را نخواهم شناخت. خدایا حجت را برم نشناسان که اگر حجت را برم نشناسانی، گمراخ خواهم شد.

انسان منتظر، برخواسته معرفتی سوم (معرفت امام عصر) بیش از دیگر خواسته‌ها تأکید می‌کند؛ زیرا رشتہ دیانت و هدایت انسان را به معرفت حجت عصر بسته می‌بیند. معرفت توحید و نبوت، نیز گرچه در رتبه‌ای پیش از معرفت امام قرار دارند و ریشه آن به شمار می‌روند در معرفت حجت، نهفته است.

هنگامی که از امام حسین درباره چیستی خداشناسی (معرفة الله) پرسیدند، آن حضرت فرمود:

مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يُجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ؛^{۱۷}
خداشناسی مردم هر زمانی، همان معرفت امام آن عصر است، چون معرفت امام عصر در هر زمانی، خاستگاه معرفت توحیدی است.

روایات، معرفت امام عصر را، پایه اندیشه انتظار دانسته‌اند، به گونه‌ای که با وجود چنین معرفت، حتی کسانی که توفیق زنده ماندن را تا عصر ظهور نیافته‌اند نیز در جرگه همراهان حضرت حجت و در رکاب او قرار می‌گیرند و پاداش آنان با دیگران یکسان است. امام محمد باقر در این باره می‌فرماید:

وَ لَا يَعْذِرُ النَّاسَ حَتَّى يَعْرُفُوا إِمَامَهُمْ، مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمامَهِ لَمْ يَضُرْهُ تَقْدِيمُ هَذَا الْأَمْرِ
أَوْ تَأْخِرُهُ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمامَهِ كَانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِي فَسْطَاطِهِ؛^{۱۸}
مردم همگی مکلفند تا امام و حجت الهی را بشناسند و در این مورد هیچ‌گاه معذور نیستند. هرگاه کسی با معرفت امام زمانش بمیرد، زیانی نخواهد دید؛ چه امر ظهور

امام صادق نیز می‌فرماید:

من مات منتظرًا هذا الأمر کان کمن کان مع القائم
فی فسطاطه لا بل کان كالضارب بین يدی رسول الله
بالسيف؛^{۱۹}

هر کس بمیرد در حالی که منتظر ظهور قائم باشد، همانند
کسی است که همراهی حضرت قائم را درک نموده و
در خیمه وی حضور دارد، بلکه همانند کسی است که در
پیش روی پیامبر بر دشمنان شمشیر می‌زند.

ضرورت معرفت امام و حجت زنده در هر عصر و زمان، همان
بایسته مهم و عذرناپذیری است که این احادیث، هدایت و دیانت
انسان‌ها را در گرو آن دانسته‌اند و خداوند همگان را به تحصیل
آن موظف کرده است.

لوازم معرفت امام عصر

الف) ذکر و یاد امام

منتظر واقعی همواره باید سعی کند که به یاد حضرت مهدی
باشد، هر صبح با خواندن دعای عهد^{۲۰} با امام خود دوباره پیمان
بیند، برای سلامتی و فرج او دعا کند و نامش را در هر محفل
و مجلسی زنده نگاه دارد تا انتظار کشیدن ظهور او به پدیده‌ای
همگانی بدل گردد.

پیراستگی از آلودگی‌های مادی و روحی نخستین گام لازم در
این راه است؛ زیرا این آلودگی‌ها از سویی موجب پوشیده شدن
چشم بصیرت آدمی با حجاب غفلت می‌گردند و از سوی دیگر،
شایستگی درک حضور یاد حضرت را از او می‌گیرند. بنابراین
انسان همواره از امام خود غایب است (و غیبته متا)، چشمان
حقیقت‌بین خود را از دست داده و خود باعث دوری از او شده‌ایم؛
زیرا آن حضرت همیشه حاضر و ناظر است و تا زمانی که بشر به
هوش آید، ناگزیر پنهانی می‌زید.

ب) محبت به امام

انس و ارتباط روحی و دوستی با امام عصر به طور طبیعی،
شناخت و یاد او را در بی می‌آورد؛ زیرا ممکن نیست کسی آن
حضرت را به درستی بشناسد و محبت او قلبش را فرا بگیرد، اما در
یاد وی نباشد و پیوسته او را نجوید.

او امامی است که در قلب‌ها و دل‌های مردم جا دارد و حکومت
او بر دل‌ها و جان‌ها، بر پایه ایمان، معرفت، عشق و عاطفه است.
از این‌رو، مردم به او عشق می‌ورزند.

پیامبر اکرم درباره محبوب بودن امام مهدی نزد مردم
می‌فرماید:

أُبْشِرْ كُمْ بِالْمَهْدِيِّ بِعُثُثٍ فِي أُمَّتِي... بِمَلَأِ الْأَرْضِ قُسْطَأً وَ
عَدْلًا وَ يُرْضِي عَنْهِ سَاكِنَ السَّمَاءِ وَ سَاكِنَ الْأَرْضِ؛^{۲۱}
شما را به آمدن مهدی بشارت می‌دهم... زمین را آکنده از
عدل و داد می‌کند و اهل آسمان و زمین از حکومت او
راضی و خشنودند.

المهدی... يرضى بخلافته أهل السماء وأهل الأرض والطير
في الهواء؛^{۲۲}

مهدی کسی است که همه اهل آسمان و زمین از حکومت
او راضی‌اند، حتی پرندگان آسمان.

محبوب و مقبول بودن، از آن روز است که مردم جهان، دولت
مهدی را نماد تحقق آرزوهای خود می‌دانند و لذا با میل و
رغبت به او روی می‌آورند.

تأوی إلیه امّته کما تأوی النّحلة إلی يعسویها؛^{۲۳}
شور و علاقه و دل‌بستگی مردم به امام مهدی رهبر
حکومت جهانی، به گونه‌ای است که مردم، به او همانند
زنبور عسل به ملکه علاقه‌مندند و به او پناه می‌برند.

هیچ دولتی، به اندازه دولت مهدوی نزد مردم محبوب نیست.
بی‌گمان، این محبت و عشق، بیش از هر کسی، زیبنده منتظران
است.

ج) رضایت امام

یکی از لوازم دیگر معرفت امام زمان، کوشش برای خشنود
ساختن امام عصر است که رضایت خداوند را نیز به دنبال

می‌آورد، یعنی تنها با پیروی از حجت الهی، خداوند را می‌توان راضی کرد.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحْكُمُونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يَحِبِّكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ^{۲۴}؛

بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشاید.

رضایت آن حضرت نیز تنها با عمل به دستورهای دین، آراستگی به اخلاق نیکو و تقوا، دست یافتنی است. حضرت صاحب‌الامر در توقيع شریفی که برای مرحوم شیخ مفید فرستادند، کارهای ناشایست و گناهان شیعیان را یکی از اسباب یا تنها سبب دراز شدن زمان غیبت و دوری آنان از دیدار خود برشمرده‌اند:

فَلَا يَحِبُّنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَصَلَّبُ بِنَا مَنْكِرُهُ، وَ لَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُمْ؛^{۲۵}

تنها چیزی که میان ما و شیعیان فاصله انداخته است، همانا اعمال و رفتار ناخوش آیندی است که از آنان انتظار نمی‌رود و ما آن را نمی‌پسندیم.

إِعْلَمُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوْدَةِ عَلَى السَّنَةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ اللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيْهِ وَ عَلَيْكُمْ؛^{۲۶}

هدف و مقصد خویش را درباره محبت و دوستی ما اهل‌بیت، بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید؛ پس همانا که موضع‌های و سفارش‌های لازم را نمودم و خداوند متعال به رفتار همه ما و شما شاهد و گواه است.

از این‌رو، برآوردن خواسته‌های امام و دوری گزیدن از گناهان و رفتارهای ناشایست، نشان معرفت، دوستی و محبت صادقانه به امام است.

د) دعا برای سلامتی و تعجیل ظهر امام

دعا برای سلامتی و رسیدن فرج امام زمان از دیگر لوازم مهم معرفت و حس نیازمندی و پیوند به آن حضرت است.

مقصود از دعا، تنها خواندن زبانی خداوند نیست، بلکه خواستن قلبی نیز لازم است؛ یعنی اگر نماد همه آمال و آرزوهای انسان منتظر، امام زمان است، بزرگترین دغدغه او نیز، تعجیل ظهور آن حضرت باید باشد و با الحاج و التماس، آن را از خداوند بخواهد؛ زیرا جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات، استوار و پیدایی هر پدیده‌ای به وجود شرط‌ها و زمینه‌های آن مشروط است. آموزه‌های مشروط از دعا را یکی از اسباب و عوامل تعجیل ظهور دانسته‌اند؛ یعنی پدیده ظهور به تحقق شرط‌ها و زمینه‌های وابسته است و دعا یکی از آنها (سلسله علل ظهور) شمرده می‌شود. معصومان به همین دلیل بر کثرت دعا برای تعجیل فرج آن حضرت، تأکید کرده‌اند و آن را موجب فرج و گشایش کار شیعیان دانسته‌اند.

خود امام عصر در توقيعی برای اسحاق بن یعقوب، فرستاده، به شیعیان چنین فرموده:

مقصود از دعا، تنها خواندن زبانی خداوند نیست، بلکه خواستن قلبی نیز لازم است؛ یعنی اگر نماد همه آمال و آرزوهای انسان منتظر، امام زمان است، بزرگترین دغدغه او نیز، تعجیل ظهور آن حضرت باید باشد و با الحاج و التماس، آن را از خداوند بخواهد؛ زیرا جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات، استوار و پیدایی هر پدیده‌ای به وجود شرط‌ها و زمینه‌های آن مشروط است. آموزه‌های مشروط از دعا را یکی از اسباب و عوامل تعجیل ظهور دانسته‌اند؛ یعنی پدیده ظهور به تحقق شرط‌ها و زمینه‌های وابسته است و دعا یکی از آنها (سلسله علل ظهور) شمرده می‌شود. معصومان به همین دلیل بر کثرت دعا برای تعجیل فرج آن حضرت، تأکید کرده‌اند و آن را موجب فرج و گشایش کار شیعیان دانسته‌اند.

و أکثروا الدعاء بتعجیل الفرج فنَّ ذلك فرجكم^{۷۷}؛
برای زودرس بودن امر فرج، بسیار دعا کنید؛ زیرا
گشایش شما در آن است.

گرچه کلمه «فرج» به معنای مطلق گشایش است، در اینجا
به قرینه سیاق توقیع و وجود کلمه «تعجیل» (موضوع دعا) در آن،
مراد از «فرج»، ظهور حضرت است. افزون بر این که خود «ظهور»
بر جسته ترین مصدق فرج است. همچنین، تأکید بر فرج با کلمه
«إن» و کاربرد «ذلک» به جای ضمیر «ه»، اهمیت موضوع دعا
تأثیر آن را در تعجیل ظهور، نشان می‌دهد.

پیام حضرت در این بخش از توقیع این است که تحقق
زودهنگام ظهورش، به خواسته قلبی همه مردم و نه فرد یا افراد
خاصی از آنان باید بدل شود؛ زیرا دعا تنها خواندن زبانی خداوند
نیست، بلکه خواستن از روی شناخت و همراه با عشق و حس
قلبی است و چنین دعا، هنگامی تحقق می‌یابد که تعجیل ظهور،
مهمنترین دغدغه مردم و در صدر فهرست خواسته‌های آنان باشد
و نیازمندی به ظهور امام زمان فراگیر شود.

امام حسن عسکری نیز دعا کردن برای تعجیل ظهور
فرزندش را در زمان غیبت او، یکی از ویژگی‌های شیعیان
و منتظران ظهور، دانسته است. وی به احمد بن اسحاق قمی
می‌فرماید:

و الله ليغيبن غيبة لاينجو فيها من الملكة إلا من ثبته الله
عز وجل على القول بامامته و وفقه فيها للدعاء بتعجیل
فرجه^{۷۸}...

به خدا سوگند، فرزندم غیبی خواهد داشت که در آن
زمان از هلاکت و گمراهی کسی نجات نمی‌یابد مگر
این که خداوند او را بر پذیرش امامت فرزندم، موفق
نماید تا برای تعجیل ظهورش دعا کند.

آموزه‌های دینی بر توجه مردم به امام عصر تأکید می‌کنند
تا آنان دوران غیبت را مهم بشمارند و بدانند که در این دوران،
امام عصر تجسم همه انبیا و اولیا و واسطه همه فیض‌های
الهی است و لذا آنان با توصل به آن وجود مقدس، از خداوند باید
بخواهند که خواسته‌های شان بویژه تعجیل در ظهور آن حضرت
را برآورد.

از این رو در دعای شریف افتتاح، توصل به پیامبر اکرم و
دیگر مucchoman ، تنها یکبار در یازده سطر، و توصل به امام
دوازدهم، حضرت صاحب‌الامر شش‌بار و در بیش از ۲۵ سطر
آمده است و همه خواسته‌های مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و
فردی و جمعی، با توصل به او از خداوند درخواست می‌شود:

... اللَّهُمَّ إِنِّي بِشَعْنَا وَالشَّعْبَ بِهِ فَتَقْنَا وَكَفَرْ بِهِ قَلْتَنَا وَأَعْزَزْ
بِهِ ذَلْتَنَا وَأَغْنَ بِهِ عَائِلَنَا وَأَقْضَ بِهِ عَنْ مَغْرِبِنَا وَاجْبَرْ بِهِ فَقْرَنَا
وَسَدَّبْ بِهِ خَلْتَنَا وَيَسَّرْ بِهِ عَسْرَنَا وَبَيَّضْ بِهِ جَوْهَنَا وَفَكَّ بِهِ
أَسْرَنَا وَأَنْجَحْ بِهِ طَلْبَتَنَا وَأَنْجَزْ بِهِ مَوْعِيدَنَا وَاسْتَجَبْ بِهِ
دَعْوَتَنَا وَأَعْطَنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَبَلَّغَنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ آمَانَنا
وَأَعْطَنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتَنَا...^{۷۹}

خدایا پریشانی ما را به آن جمع گردان و پراکندگی امور
ما را به وجود او اصلاح فرما و شکاف و تفرقه‌های ما را
اتحاد بخش و عده قلیل ما را بسیار گردان و ذلت ما را به
وجودش بدل به عزت ساز و نیاز ما را بدل به بی‌نیازی
گردان و دین ما را به برکتش ادا فرما و فقر ما را جبران
نمای و نقص ما را مسدود ساز و مشکلات ما را به برکش
آسان گردان و به وجود او ما را رو سفید گردان و اسیران
ما را آزاد ساز و حاجت‌های ما را روا گردان و وعده‌هایی
که دادی منجز گردان و به برکتش دعا‌های ما مستجاب
و درخواست‌های ما را عطا فرما و به آرزوهایی که در
دنيا و آخرت داریم برسان و به ما فوق آن‌چه مایلیم عطا
فرما...

تأکید بر وجود مقدس امام عصر با «به»، در همه این
درخواست‌ها وجود دارد. همه این تأکیدها در این گونه از آموزه‌ها
(دعاهای)، برای جلب کردن توجه مردم به آن وجود مقدس در عصر
غیبت است.

بنابراین، دعا عامل معنوی مؤثری در تعجیل ظهور حضرت و
توجه مردم به او و یکی از بایسته‌های مهم انتظار زمینه‌ساز شمرده
می‌شود.

زواجه از امام صادق نقل کرده است:

أَلَا يَدْلِكُمْ عَلَى شَيْءٍ لَمْ يَسْتَشْ فِيهِ رَسُولُ اللهِ؟ الدُّعَاءُ يَرْدَدُ
الْقَضَاءَ وَقَدْ أَبْرَمَ إِبْرَاماً^{۸۰}

آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که پیامبر در مورد تأثیر آن استثنائی قائل نشده است؟ دعا جلو قضای الهی را بعد از تأیید نیز می‌گیرد و آن را تغییر می‌دهد.

گاهی مقدرات و زمینه‌های تحقق پدیده‌ای فراهم می‌گردد تا قضا به آن حتمیت و فعلیت بخشند، اما هنگامی که عاملی مانند دعا در تقدیرات نخستین اثر گذارد و اوضاع را عوض کند، قضا نیز دچار تغییر می‌شود و آن‌چه مقدر شده بود، محقق نمی‌گردد.

این گفته که همه پدیده‌ها با قضای الهی تحقق می‌پذیرند، با تأثیرگذاری دعا ناسازگار نیست؛ زیرا دعا خود دارای تأثیری جوهری و تکوینی است و می‌تواند در سلسله طولی علل تحقق اشیا قرار گیرد. البته این تأثیرگذاری نیز به اذن و اراده الهی صورت می‌پذیرد و لذا اعتقاد به تأثیر دعا، عین توحید است؛ زیرا همان خدایی که بندگان را به دعا کردن مأمور کرده «ادعونی أستجب لكم»^{۳۳} دعاهای آنان را مؤثر و مجرای تحقق اراده خود قرار داده است. بنابراین، پدیده ظهور حضرت حجت و تعجیل یا تأخیر در زمان آن، همانند دیگر پدیده‌ها، به قضای الهی وابسته است و دعای انسان موظف به دعا کردن نیز، در آنها تأثیر می‌گذارد.

مهم این است که دعا، از خواست قلبی مردم سرچشمه بگیرد تا آثارش در عمل و رفتار آنان نمایان گردد؛ یعنی شیعیان و منتظران عاشق آن حضرت، در پی دعای خود در تهذیب نفس و اصلاح کارها بکوشند تا به رسیدن فرج آن حضرت شتاب بخشنده و زمینه را برای پذیرش حکومت عدالتخواه امام عصر آمده کنند.

دعاهای و ذکرها فراوانی مانند ندب، اللہم کن لولیک (فرج)، عهد، دعای صاحب‌الامر، غریق، زیارت آل‌یاسین، زیارت جامعه و...، در این زمینه وجود دارند که ائمه شیعیان را به پیوسته خواندن آنها سفارش کرده‌اند. دعای زیر نمونه‌ای از آنهاست:

اللّٰهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسِكَ إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ، اللّٰهُمَّ عَرَفْنِي رَسُولُكَ...
اللّٰهُمَّ عَرَفْنِي حَجَّتِكَ إِنَّكَ إِنْ لَمْ تَعْرِفْنِي حَجَّتِكَ ضَلَّلتُ عَنِ الدِّينِ.

ه) نکوداشت مناسبت‌های مهدوی

یکی از بایسه‌های دیگر معرفت امام عصر که در فرهنگ‌سازی و نهادینه شدن انتظار، کاربرد بسیاری دارد، نکوداشت مناسبت‌ها و عیدهایی مانند پانزده شعبان است. این کار تأثیر فراوانی در گسترش فرهنگ مهدوی و افزایش معرفت و محبت مردم به امام عصر می‌گذارد؛ زیرا برگزاری جشن‌های مذهبی و شرکت مردم در این نوع از آیین‌های دینی، موجب تعظیم شعایر الهی و انس و الفت مردم با معارف اهل‌بیت می‌شود و اگر این‌ها به درستی برگزار و مدیریت شوند و از پیرایه‌های ناسازگار با شأن اهل‌بیت پالایش گردند، به جلوه‌گاه معرفت، فضیلت، پاکی و عشق مردم به اهل‌بیت و امام زمان بدل خواهند شد.

- آموزه‌های دینی بر توجه مردم به امام
عصر تأکید می‌کنند
تا آنان دوران غیبت را
مهم بشمارند و بدانند
که در این دوران، امام
عصر تجسم همه
انبیا و اولیا و واسطه
همه فخریات الهی
است و لذا آنان با توصل
به آن وجود مقدس، از
خداوند باید بخواهند که
خواسته‌های شان بویژه
تعجیل در ظهور آن
حضرت را برآورده.
- مهم این است که
دعا، از خواست قلبی
مردم سرچشمه بکیرد
تا آثارش در عمل و
رفتار آنان نمایان
گردد؛ یعنی شیعیان
و منتظران عاشق آن
حضرت، در پی دعای
خود در تهذیب نفس و
اصلاح کارها بکوشند
تا به رسیدن فرج آن
حضرت شتاب بخشنده
و زمینه را برای پذیرش
حکومت عدالتخواه امام
عصر آمده کنند.

زادروز امام زمان ، از شیرین‌ترین، خجسته‌ترین و بزرگ‌ترین عیدهای اسلامی و جشن زنده شدن آرزوها و امیدها و آماده شدن برای شرکت در نهضتی بزرگ و انسانی است که با آگاهی، حرکتی پیوسته، سازنده و زندگی‌بخش و پیمان و همسویی با آن حضرت می‌آمیزد؛ عید ولادت او، عید همه انسان‌های پاک و آزاده عالم است.

امام عسکری پس از ولادت با برکت فرزند گرامی‌اش مهدی ، دستور داد نان و گوشت فراوانی (ده‌هزار دل) بخورد و در میان فقیران سامرا تقسیم کنند.^{۳۲} همچنین هفتاد قوچ در آین عقیقه او قربانی کرد و برخی از راویان آورده‌اند که سی صد گوسفند قربانی کرد.^{۳۳} و چهار تای آنها را برای یکی از اصحاب خود به نام ابراهیم فرستاد و در نامه‌ای برای او چنین نوشته:

بسم الله الرحمن الرحيم. این گوسفندها از فرزندم محمد مهدی است. خودت از آنها بخور و هر کس از شیعیان ما را دیدی، به او هم بخوران.^{۳۴}

هنگامی که شیعیان از ولادت آن حضرت باخبر شدند، سرتاسر وجودشان را سرور و شادی فرا گرفت و دسته‌دسته خدمت امام عسکری می‌رسیدند و ولادت آن بزرگ‌وار را به ایشان تبریک می‌گفتند. شاعران نیز با سرودن شعرهای بسیاری در این‌باره سرور و خوشحالی خود را آشکار می‌کردند.^{۳۵} این روز بزرگ مظہر نشاط و شادی مسلمانان بویژه شیعیان جهان است. بنابراین، شادی و فرح آنان در این روز با شادمانی اهل‌بیت هم‌سو باشد.^{۳۶}

بدون شک برپا ساختن جشن و چراغانی و شادمانی اشار م مختلف جامعه در ایام مثل عید شعبان، عید عدالت، آزادی، عزت و کرامت انسانی، حاکی از ارادت و ایمان و شور عشق برپا کنندگان آن است که رایحه دل‌انگیز آن، مشام هر دوستدار عدالت و فضیلت را معطر می‌سازد و نام آن مصلح الهی را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد. این شور و شوق‌ها، جلوه زیبای نفیس‌ترین احساسات شیفتگان و شیعیان آن حضرت است که شکوه انتظار مقدس آن یگانه دوران، برای عاشقان و دل‌باختگان آن حضرت، بسی شوق‌انگیز و بهجهت‌آور است و نام و یاد مقدس آن حضرت در این ایام، سرفصل بیت‌الغزل این گونه محافل و مجالس معنوی است. این شور و شوق‌ها، داستان تشخیص یکی از نفیس‌ترین

(و) توجه به مکان‌ها و نمادهای مهدوی

توجه به مکان‌هایی مانند مسجد مقدس جمکران و دیگر مساجدها، حرم‌ها و بقعه‌های متبرک و فراخواندن مردم به سوی آنها، تأثیر فراوانی در برانگیختن حس مذهبی و جذب و آشنایی آنان با مسائل مهدویت، خواهد گذاشت.

امروز مسجد مقدس جمکران بر اثر گسترش گرایش و توجه فراوان قشراهای گوناگون مردم به حضرت مهدی ، به پایگاهی مهم برای تبلیغ دین و معارف مهدوی در سطح بین‌المللی، بدل شده است به گونه‌ای که هیچ ابزار فرهنگی دیگری، به اندازه آن کارآمد نیست.

شمار انبوی زائران و مشتاقان حضرت که از سراسر جهان بویژه در نیمه شعبان به آن مکان مقدس می‌آیند، عشق‌بی‌پایان مردم را به ایشان نشان می‌دهد و جهت‌گیری صحیح و استفاده بهینه و آسیب‌شناسانه، از این فرصت‌ها برای تقویت ارتباط مردم با امام عصر ، بسیار مهم است.

تفسیر صحیح مفاهیم و آموزه‌های مهدویت

مفاهیم و آموزه‌هایی مانند غیبت، انتظار، ارتباط و ملاقات، عالیم و شروط ظهور، زمان ظهور و...، همچون دیگر آموزه‌های دینی، به تبیین صحیح و مستند و تفسیر کارشناسانه، نیازمند؛ زیرا بدفهمی آنها بدعتها و پیدایش فرقه‌ها و نحله‌های منحرف بسیاری پدید می‌آورد.

از این‌رو، فهم و تفسیر صحیح مسائل مهدویت، و مرزبندی میان حقیقت و خرافه و شناخت آفتها و مقابله با آنها، از مهم‌ترین بایسته‌های مهدویت‌پژوهی و رسالت مهم کارشناسان و مراکز علمی - فرهنگی است.

عوامل آفتزا

عوامل گوناگونی مانند سطح‌نگری و روشن‌فکرماهی به گسترش فرهنگ مهدویت در جامعه شیعه آسیب می‌رسانند و هر یک از آنها، پی‌آمدهای زیان‌بار فراوانی به دنبال دارد.

الف) سطح‌نگری

سطح‌نگری و عوام‌گرایی در مسائل مهدویت، عامل مخربی است که اندیشه مهدویت و انتظار را از محتوای اصیل و سازنده آن تهی می‌کند و مردم را از توجه به مفاهیم و اهداف ارجمند آن بازمی‌دارد و آنان را به سوی خرافه، کژاندیشی و انحراف، سوق می‌دهد. افراد کم‌سواد که از تحلیل مفاهیم عمیق و سازنده اندیشه مهدویت عاجزند، بیش از دیگران به خرافه گرایش دارند؛ برخی از آنان با مذاهی‌های بی‌محتوا و ریاضت‌کشی‌های بدون دلیل و گروهی دیگر با گردآوری داستان‌هایی ضعیف درباره خواب‌ها و ملاقات‌ها و سفارش به ختم‌گیری، چله‌نشینی و گفتن اذکار و اوراد...، برای تشریف به حضور آن حضرت، بر رونق بازار داستان‌سرایی و خرافه‌گرایی می‌افزایند. آنان از روش‌مند نبودن تشریف به آن حضرت، غافلند و گمان می‌کنند که با خواندن فلاں دعا و ورد خاص یا با فرمول معینی، حتماً به مقام دیدار با امام بار می‌یابند. اما برایه توقع شریف آن حضرت به آخرین نایب خاکش (علی بن محمد سمری)، امام آشکارا در زمان غیبت کبرا، با هیچ‌کس رفت و آمد نمی‌کند و دفتری برای ملاقات‌های خصوصی ندارد.

آن‌چه بازار نقل‌ها و حکایت‌نویسی‌ها را گرم می‌کند، عوام‌گرایی، برخوردهای سلیقه‌ای و درآمدهای کتاب‌هایی است که به دلیل داستانی بودنشان، قشر عوام آنها را بسیار می‌خرند. برخی از این حکایت‌ها به اندازه‌ای سبک و بی‌پایه است که آمیخته بودنشان به ریا و تظاهر و دروغ، با اندکی تأمل آشکار می‌گردد.

بی‌گمان گسترش این گونه افکار سست و مضحك در جامعه، موجب وهن اعتقادات مردم و غفلت آنان از عناصر سازنده و محتوای اصیل اندیشه مهدویت، خواهد شد و پی‌آمدهای زیان‌باری به دنبال خواهد آورد.

البته به دلیل وجود تواتر اجمالي برخی از اخبار درباره تشریف افراد ثقه و اهل ورع و تقوی، به محضر امام زمان، دیدار او در عصر غیبت، امکان‌پذیر است. اما باید توجه کرد که این دیدار تنها هنگامی تحقق می‌پذیرد که خداوند بر پایه مصالح خاصی، به کسی اذن تشریف بدهد تا او در صورتی که آن حضرت بخواهد، به چنین فیضی دست یابد.

باری، بزرگان و علمای شیعه بر آئند که اصل در زمان غیبت کبرا، ارتباط نداشتند با امام زمان است و پذیرش ادعای ملاقات با او، به دلیل و قرینه اطمینان‌آور نیاز دارد.

ب) روشن‌فکرماهی

نگرش روشن‌فکرانه و دور از تعبد در مباحث مهدویت نیز مخرب و زیان‌بار است. برخی از افراد به جای استفاده از اصول عقلی و کلامی برای تحلیل و بررسی اندیشه مهدویت و

امروز مسجد مقدس
جمکران بر اثر گسترش
گرایش و توجه فراوان
قشراهای گوناگون مردم
به حضرت مهدی . به
پیگاهی مهم برای تبلیغ
دین و معارف مهدوی در
سطح بین‌المللی، بدل
شده است به کونه‌ای
که هیچ ابزار فرهنگی
دیگری، به اندازه آن
کار آمد نیست.
- سطح‌نگری و
عوام‌گرایی در مسائل
مهدویت، عامل مخربی
است که اندیشه مهدویت
و انتظار را از محتوای
اصیل و سازنده آن
تهی می‌کند و مردم را از
توجه به مفاهیم و اهداف
ارجمند آن بازمی‌دارد و
آن را به سوی خرافه،
کژاندیشی و انحراف،
سوق می‌دهد.

شوند و بر اثر پذیرش فرهنگ دنیاطلبی، هوس رانی و تنوع خواهی از فرمان‌های الهی سر پیچند، به ارزش‌های دینی و انسانی توجه نکنند و اراده جمعی را به صورت افسار گسیخته‌ای به سمت اشیاع

خواهای نفسانی و تفاخرهای کاذب دنیوی، معطوف سازند.

اما اندیشه انتظار، تصلب دینی و پای‌بندی به معیارهای دینی را، عنصری مهم می‌شمارد و بر ضرورت آن تأکید می‌کند. پیامبر اکرم ، مهم‌ترین وظیفه منتظران ظهور مهدی را، پیروی از او در زمان غیبت می‌داند:

طوبی لمن ادرک قائم أهل بيتي و هو مقتدبه في غيبته قبل
قيامه و يتولى أوليائه و يعادى أعدائه ذلك من رفاقائي و
ذوى مودتى و أكرم أمّتى على يوم القيمة؛^{۴۹}

خوشابه حال کسی که قائم اهل‌بیت مرا درک کرده و در زمان غیبت و پیش از قیامش، پیرو او باشد، با دوستان او دوست باشد و دشمنان او را دشمن بدارد، چنین کسی در روز قیامت از رفقا و دوستان من و گرامی‌ترین ام ام از در نزد من خواهد بود.

عبارت «و هو مقتد به^{۴۰} في غيبيته» گویای لزوم سنتیت و هم‌گونی امام و پیروان؛ یعنی آنان با عمل به دین، همراهی با دوستان و برائت از دشمنان پیوندی معنوی با امام باید ایجاد کنند.

امام صادق می‌فرماید:

من سرّه أني يكون من أصحاب القائم فليتظر و ليعلم
بالورع ومحاسن الأخلاق و هو متظر... فجّدوا و انتظروا
هنيئاً لكم أيتها العصابة المرحومة؛^{۴۱}

هر کس آرزو دارد که از جمله اصحاب حضرت قائم باشد باید منتظر او باشد و در این حال انتظار براساس تقوا و اخلاق نیک رفتار نمایند. پس جدی باشید و پافشاری کنید در آراستگی اخلاقی و رفتاری خود و چشم به راه آمدن حضرت باشید که بر شما گوارا باد این انتظار و چشم به راهی، ای گروه اهل رحمت و نجات.

بنابراین، تنها راه قرار گرفتن در صف یاران مهدی ، الگوپذیری عملی و اخلاقی از او در عصر انتظار است.

عناصر سیاسی - حکومتی آن، از معیارهای رایج در میان مردم بهره می‌گیرند. این روی کرد پی‌آمدهای خطرناکی به دنبال خواهد داشت؛ زیرا از سویی با فرو کاستن فرهنگ انتظار به اندازه دیگر اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی که صدها چون‌وچرا و نقض و ابرام در آنها وجود دارد، رفته‌رفته موجب تردید مردم در حتمیت و قطعیت واقعه ظهور می‌گردد و از سوی دیگر اندیشه مهدویت را از همه پشتوانه‌های غیبی و الهی آن تهی و امام مهدی را هم‌چون رهبر جنبشی اجتماعی، گرفتار قانون‌های پذیرفته جوامع بشری، مجسم می‌کند.^{۴۸}

بنابراین، خرافه‌زدایی و ایستادن در برابر نگرش‌های روشن فکرانه افراطی در حوزه مباحث مهدوی، از دیگر بایسته‌های انتظار سازنده و فعال به شمار می‌آیند.

پیراستگی و تقوایپیشگی

بی‌گمان پارسایی و آراستگی به فضیلت تقوا و آداب و اخلاق نیکو، موجب برازنده‌گی و زیبایی هر انسان عاشق کمال و فضیلت می‌شود. خواسته اصلی پیشوایان دین و خود امام مهدی ، عمل کردن به دستورهای دینی و اجرای وظایف فردی و اجتماعی است؛ زیرا الگوپذیری و پیروی مردم از امام و پیشوای معصومشان در افکار، آداب، منش و رفتار، پس از معرفت و عشق به او ضروری است؛ یعنی نمی‌توان تصور کرد که عاشقان و شیفتگان امام عصر ، به راه و رسم زندگی مهدی وار بی‌اعتنای باشند، از رفتار وی، پیروی نکنند و بدون همراهی و همزنگی با او، منتظر و چشم به راهش بمانند.

آن حضرت نیز در این عصر، جز چنگ زدن به دامن دین و عمل به وظایف دینی، انتظار دیگری از مردم ندارد و کار اصلی اش جز تحقیق دین و بسط و گسترش آن نیست. اهل باطل نیز به انگیزه کشاندن جوامع انسانی به ورطه فساد و تباہی و دستیابی به هدف‌های پلید دنیابی خود، جز در راه دین‌زدایی و اباخه‌گری نکوشیده‌اند و با به کارگیری بهترین شیوه‌ها؛ یعنی گستراندن انواع فساد اخلاقی و لاابالی‌گری در جامعه و زدودن تعهد و هویت دینی و انگیزه‌های ایمانی انسان‌های مؤمن بویژه جوانان، تلاش کرده‌اند تا آنان آموزه‌های دینی و مذهبی مانند: ثواب و عقاب و ظهور امام زمان را خرافه و افسانه بدانند و به آرامی از آنها دور

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۚ ۴۲

درباره آیه امام باقر می‌فرماید:

إِصْبِرُوا عَلَىٰ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَصَابِرُوا عَدَّوْكُمْ وَرَابِطُوا إِمَامُكُمُ الْمُتَظَرُ؛^{۴۳}

در انجام واجبات دینی مقاوم و استوار باشید و در مقابل دشمنانatan محکم و با امامی که در انتظار او نشسته‌اید، پیوند معنوی ایجاد نمایید.

همچنین امام عصر در توقیعی که به شیخ مفید؛ فرستاده، پیروان و منتظران ظهورش را، به ولایت‌پذیری و عمل به احکام و دستورهای الهی، سفارش کرده است:

فليعمل كلّ أمرء منكم بما يقرب به من محبتنا واليبحثب ما يدنيه من كراحتنا و سخطنا؛^{۴۴}
پس عمل کنید هر کدام از شما به آن‌چه موجب نزدیکی و جلب محبت ما اهل بیت می‌گردد. و دوری گزینید از کارهایی که ناراحتی و خشم و موجبات رنجش ما می‌گردد.

فإنْ أَمْرَنَا بِغَةَةٍ فَجَأَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تُوبَةٌ وَلَا يَنْجِيَهُ مِنْ عَقَابِنَا نَدْمٌ عَلَىٰ حَوْيَةٍ؛
فرمان ظهور دفعی و ناگهانی است آن وقت توبه برای کسی سودی نخواهد داشت و نیز پشیمانی کسی از کار زشت وی را از مجازات نخواهد داد.

يعنى خود را با عمل صالح و اخلاق نیکو، آماده نگه دارید و منظر امر ظهور باشید.
آن حضرت در دعای معروف خود (اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَ بَعْدَ الْمُعْصِيَةِ...)^{۴۵} که آن را به شیعیان و منتظران آموخته نیز توفیق بندگی و عمل برپایه دستورهای دینی و دوری از معصیت و گناه را نخستین خواسته انسان از خداوند دانسته است.

بنابراین، یکی از بایسته‌های مهم ظهور، الگویذیری از او؛ یعنی عمل بر پایه ورع و تقوا و ایجاد آراستگی‌های اخلاقی و ارزشی است و زمینه حضور حضرت را با برداشتن برخی از موائع آن و سامان دادن کارهای شایسته، باید فراهم آورد. ادای تکلیف‌های فردی و اجتماعی دین، معیار مهدوی‌زیستن و محکی است که با آن، منتظران صادق را از مدعیان انتظار و میزان قرب و بعد افراد را به آن حضرت می‌توان بازشناخت؛ زیرا امام دین دارترین انسان و عامل‌ترین آنان به تکلیف‌های الهی است.

بنابراین اگر کسی بخواهد راه و رسم مهدوی‌زیستن را در پیش گیرد، به شیوه دین داری و اجرای وظایف دینی پابند باید باشد. امام عصر که وظیفه قیام و اقامه عدالت در سرتاسر جهان و نابودی مظاهر شرک و کفر و فساد را برعهده دارد، در زمان غیبت، به زمینه‌سازی برای این کار مهم می‌پردازد. کسی که می‌خواهد روش امام زمان را در زندگی خود به کار گیرد نیز در راه زمینه‌سازی برای ظهور او باید بکوشد.

از این‌رو، مهدوی‌زیستن تنها به دین مدار بودن و تلاش کردن برای زمینه‌سازی ظهور آن حضرت وابسته است؛ زیرا هدف دین و فلسفه ظهور او، احیای ارزش‌های الهی در جامعه و رشد انسان‌هاست؛ یعنی دین و شریعت پیامبر اکرم، تاکنون شرط‌های لازم را برای تحقق

اگر کسی بخواهد راه و رسم مهدوی‌زیستن را در پیش گیرد، به شیوه دین داری و اجرای وظایف دینی پابند باید باشد. امام عصر که وظیفه قیام و اقامه عدالت در سرتاسر جهان و نابودی مظاهر شرک و کفر و فساد را برعهده دارد، در زمان غیبت، به زمینه‌سازی برای این کار مهم می‌پردازد. کسی که می‌خواهد روش امام زمان را در زندگی خود به کار گیرد نیز در راه زمینه‌سازی برای ظهور او باید بکوشد.

و باز هم غربال شوید تا این که کدرها برود و صافی‌ها
بماند.

وی در جای دیگر می‌فرماید:

هیهات لا والله لا يكون ما تمدون إلىه أعينكم حتى تغربلوا،
لا والله لا يكون ما تمدون إلىه أعينكم حتى تمحصوا، لا والله
لا يكون ما تمدون إلىه أعينكم حتى تميزوا، لا والله لا تمدون
إليه أعينكم إلاّ بعد أيام، لا يكون الذي تمدون إليه أعناقكم
حتى يشقى من شقى و يسعد من سعد؛^{۴۹}
هیهات از آن‌چه آرزوی آن را در دل می‌پرورانید! به
خدا سوگند بدان‌چه چشم دوخته‌اید نخواهید رسید مگر
این که همگی در غربال امتحان تکان سختی بخورید و
در این امتحان آزموده شوید تا صفت خوبان از بدن و
ثابت قدمان از مدعیان، جدا گردد. به خدا سوگند این
آرزو عملی نخواهد شد مگر بعد از یأس و نامیدی و تا
زمانی که افراد شقی، شقاوتش را و افراد اهل سعادت،
لیاقت و صلاحیتش را آشکار سازند.

عبارت «تمدون إلىه أعناقكم»^{۵۰} (برای یافتنش گردن می‌کشید
و با حرص و ولع در پی آنید)، در برخی از روایت‌ها به جای «تمدون
إليه أعينكم» شدت تقاضای مردم را برای رسیدن به این آرزوی
بزرگ نشان می‌دهد؛ یعنی مردم بدون هزینه به آن دسترس
نخواهند داشت بلکه در دوران انتظار به پختگی و استقامت لازم
برای ساختن زمینه‌های ظهور باید دست یابند و گرنده خداوند فریاد
انتظارشان را بی‌پاسخ خواهد گذارد و این نعمت بزرگ را به آنان
ارزانی نخواهد کرد.

شمار ریزش‌ها برپایه این روایت به اندازه‌ای است که اندک
کسانی در عصر غیبت خود را حفظ می‌کنند و در این غربال،
می‌مانند.

امام رضا سوگند یاد می‌کند و می‌فرماید:

أما والله لا يكون الذي تمدون إلىه أعينكم حتى تميزوا
و تمحصوا حتى لا يقى منكم إلاّ الأئم؛^{۵۱}
قسم به خدا آن‌چه در انتظار رسیدن آنید فرا نخواهد
رسید تا ناخالصی‌های شما به خوبی پاک گردد. در این

کامل نداشته است و مأموریت اصلی امام مهدی ، گستراندن
دین جدش و اجرای عدالت در جهان است. بنابراین شرط انتظار
ظهور امام ، پیروی عملی از او در عصر غیبت است.

ایستادگی در سختی‌ها و امتحانات

انسان منتظر در برابر حوادث و مصیبت‌ها باید بایستد تا این
رسالت سنگین را بتواند ادا کند. استحکام و پختگی او نیز، از
معرفت و آگاهی و توانایی و گنجایی وجودی اش، سرجشمه
می‌گیرد. از این‌رو، مهم‌ترین دعا و خواسته او از خداوند، فزونی
معرفت شناخت امام و حجت حاضر است:

اللهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِكَ... ثَبِّنِي عَلَى دِينِكَ صَبَرْنِي عَلَى
ذَلِكَ؛

خدایا! خودت را به من بشناسان... مرا در راه دینت
استوار گردان و به من صبر بد!

مردم در زمان غیبت به سخت‌ترین امتحان‌ها دچار و زیر و رو
می‌شوند و منتظر در کنار خوشی‌ها، رنج‌ها و سختی‌ها را نیز باید
تحمل کند.

امام صادق می‌فرماید:

إنَّ هَذَا الْأَمْرُ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ أَيَّامٍ لَا وَاللهِ حَتَّى تَمَيَّزُوا؛^{۵۲}
این امر تحقق نخواهد یافت مگر بعد از یأس و نامیدی
از دیگران، نه به خدا سوگند، امر ظهور به وقوع نخواهند
پیوست تا زمانی که در اثر ابتلایات شدید، ماهیت افراد،
آشکار نشود و صفت‌بندی‌ها مشخص نگردد.

امام رضا در این باره می‌فرماید:

إِنَّمَا يَجِئُنِي الْفَرْجُ بَعْدَ الْيَأسِ؛^{۵۳}
ظهور زمانی رخ خواهد داد که مردم از دیگر راه‌ها، نامید
شوند.

امام باقر به پرسشی درباره زمان رسیدن فرج می‌فرماید:

هیهات، هیهات لا تكون فرجنا حتى تغربلوا ثم تغربلوا،
ثم تغربلوا (یقوها ثلثاً) حتى يذهب الکدر و يقى
الصفور؛^{۵۴}

هیهات فرج ما نرسد تا غربال شوید، باز هم غربال شوید

آزمون چندان کسی از شما باقی نمی‌ماند!

۵۲؛ أَمْ حَسِبُّتُمْ أَنْ تُرْكُوا وَلَا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ
آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیدم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار
نمی‌گیرند؟

او با این حدیث به شیعیان خودی و خواص هشدار می‌دهد که امتحان آنان دشوارتر و
رسالت‌شان در عصر غیبت، مهم‌تر از دیگران است.

آمادگی

آمادگی برای ورود به عصر ظهور و داشتن درک و استعداد لازم برای پذیرش حکومت
عدل جهانی مهدوی از دیگر بایسته‌های مهم عصر انتظار است.
این بایستگی، در دو سطح عام و خاص بررسی می‌شود. آمادگی عمومی بایسته فraigیری
است که به چگونگی تعامل و روی کرد نوع بشر و همه جوامع انسانی با این موضوع، ارتباط
دارد و به قوم، ملیت، مذهب و جغرافیای خاصی وابسته است. اما آمادگی خاص، ویژه پیروان
مذهب تشیع و منتظران خاص حضرت مهدی است.

الف) آمادگی عمومی

آمادگی‌های عام، با توجه به نوع نگرش، رفتار و روی کردهای جامعه بشری در زمینه‌های
گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی زندگی انسان، نمود می‌یابند. لزوم آمادگی در
سطح عام، از این‌رو، در گروه مهم‌ترین بایسته‌های ظهور قرار می‌گیرد. پدیده ظهور آثار فraigیر
و دست‌آوردهای عمومی و جهان‌شمولی دارد و این روی کرد نخست از جوامع شیعه باید
آغاز شود و به دیگر جاها سرایت کند تا به آرامی به روی کردی عام و جهانی بدل گردد. اما
اولویت آمادگی شیعیان به معنای اختصاص داشتن این مسئله مهم به جهان تشیع نیست؛ زیرا
ضرورت آمادگی عمومی، از نیاز مشترک همه انسان‌ها به عدالت و امنیت سرچشمه می‌گیرد.
هرچند ممکن است بسیاری از مردم در تشخیص این گم‌شده دیرین خود، به غفلت یا اغفال
دچار شوند، این نیاز، به قوم، مذهب و منطقه خاصی، محدود نمی‌شود.

بنابراین، تحقق آمادگی عمومی؛ یعنی نیازمند شدن جامعه انسانی به حکومت عدل جهانی
مهدوی و هدف‌های ظهور، مهم‌ترین شرط انتظار ظهور است و بشر برای دست‌یابی به
چنین آرمان بلند، از درک و پذیرش این حقیقت ناگزیر خواهد بود؛ زیرا پدیده ظهور بیرون از
رونده طبیعی حرکت جامعه انسانی تحقق نمی‌یابد، بلکه به نوع تحول‌ها و خواسته‌های افراد
جامعه و اراده و سلوک انسان‌ها وابسته است؛ یعنی جامعه بشری، به طور ناگهانی با پدیده‌ای
ناسازگار و نامتناسب با حرکت خود روبرو نمی‌شود بلکه این روی داد بزرگ تاریخ بشر، در
صورتی تحقق خواهد یافت که زمینه‌های آن فراهم آید. حادثه ظهور، با دیگر روی دادهای
جامعه آمیخته است و در فرآیند صعود مرحله‌ای جامعه بشری به سوی آمادگی، رخ خواهد داد.

آمادگی برای ورود به
عصر ظهور و داشتن
درک و استعداد لازم برای
پذیرش حکومت عدل
جهانی مهدوی از دیگر
بایسته‌های مهم عصر
انتظار این بایستگی، در
دو سطح عام و خاص
بررسی می‌شود. آمادگی
عمومی بایسته فraigیری
است که به چگونگی
تعامل و روی کرد نوع
بشر و همه جوامع
انسانی با این موضوع،
ارتباط دارد و به قوم،
ملیت، مذهب و جغرافیای
خاصی وابسته است.
اما آمادگی خاص، ویژه
پیروان مذهب تشیع و
منتظران خاص حضرت
مهدی است.

از این‌رو، ظهور را فرآیندی باید دانست که آخرین مرحله آن حضور و قیام امام عصر برای اداره و اصلاح جامعه بشری است.

عوامل مؤثر در تغییر و تحول جامعه، به اندازه‌ای شفاف و روشن نیست که بتوان زمان ظهور را تخمین زد و آن را نزدیک یا دور دانست. لذا انسان همواره منتظر و آماده باید باشد. معصومان نیز توصیه کردند که هر صبح و شام منتظر ظهور باشید؛ زیرا ظهور پدیده‌ای ناگهانی است. این ویژگی انتظار انسان‌ها را به اصلاح طلبی و دگرگونی خواهی برمی‌انگیزد. اگر انسان‌ها کمبودها را حس نکنند و موانع را نشناسند، هیچ‌گاه برای رفع آنها و برآوردن نیازهای خود، برنامه‌ریزی و کوشش نخواهند کرد.

آمادگی در سطح عام، مراحل و مراتبی دارد که دست‌یابی به هریک از آنها، با آگاهی، عزم، اراده و حرکت جمعی حق طلبانه و عدالت‌خواهانه امکان‌پذیر است. آمادگی فکری و روحی - روانی و رشد فکری بشر برای پی‌بردن به اهمیت و ضرورت این روی کرد نخستین مرحله آمادگی عام شمرده می‌شود.

آمادگی فکری، به معنای رشد شعور و افزایش آگاهی‌های عمومی برای درک مصالح عمومی و داوری درست درباره تصمیم‌های عام جامعه بشری است.

بی‌گمان تغییر نگرش‌های عمومی، پیش از هرچیز دیگر، به آمادگی فکری و روانی برای تأثیرپذیری و تصمیم‌سازی‌های نو نیاز دارد؛ زیرا بدون چنین آمادگی، زمینه اجرای هیچ برنامه سودمندی فراهم نخواهد آمد. از این‌رو، یکی از عناصر مهم آمادگی ظهور در سطح جهانی، مساعد بودن افکار عمومی برای طرح و پذیرش اندیشه حکومت واحد جهانی اسلام در عصر ظهور است.

البته تا زمانی که بشر طعم تلخ نابسامانی‌ها و بی‌عدالتی‌ها را نچشد و به یأس و نالمیدی نرسد، این آمادگی پدید نخواهد آمد؛ یعنی تا زمانی که مردم جهان نظام‌های بشری را در حل بحران‌های کنونی موجود در زمینه خانواده، اخلاق، سیاست، فرهنگ و اقتصاد و...، ناتوان و عاجز نبینند، ضرورت ظهور مصلح جهانی را درک نخواهد کرد.

از این‌رو، تغییر نگرش‌ها و روی کردهای عمومی، برای تحقق آمادگی بشر در سطح کلان ضروری است و درک عمومی مردم دنیا به اندازه‌ای باید بالا برود که هم‌گرایی و همدردی را وظیفه‌ای انسانی و دینی بدانند. بنابراین، بشر تا آن هنگام که تنها راه نجاتش

(ب) آمادگی‌های خاص

این نوع از آمادگی، ویژه شیعیان، معتقدان و پیروان امام

را تحقق حکومت عدل مهدوی نداند، از این نعمت بزرگ، محروم خواهد ماند.

مردم برپایه اصل عقلی و منطقی «من انتظر امراً تهیأ له» (هرکس منتظر چیزی است خود را برای آن باید آماده کند)، برای تغییر وضع موجود و تحقق فرج و گشایش در عصر ظهور باید آماده باشند.

مردم دنیا باید باور کنند که مسائلی مانند «نزاد» و یا «مناطق مختلف چرافیایی» در زندگی بشر مهم نیستند، تفاوت رنگ‌ها، زبان‌ها و سرزمین‌ها، نمی‌تواند افراد بشر را از یک‌دیگر جدا سازند و تعصبات‌های قومی و گروهی و اندیشه مسخره «نزاد برتر» به طور همیشگی باید از میان بروند؛ زیرا مرزهای ساختگی با سیم‌های خاردار و دیواری‌هایی هم‌چون دیوار باستانی چین نمی‌توانند انسان‌ها را از یک‌دیگر دور سازند. بنابراین آدمیان نیز مانند نور آفتاب، نسیم روح بخش و دیگر مواهب طبیعی، که بدون توجه به این مرزها همه کره زمین را فرا می‌گیرند، به مرحله‌ای از رشد فکری باید برسند که همه جهان را یک کشور بشمرند.^{۵۳}

بشر در سیر متلاطم تاریخ، فرهنگ و تمدن خود، چقدر به مرز آمادگی نزدیک شده است؟ پاسخ گفتن دقیق به این پرسش، به مطالعه تاریخ گذشته و تحلیل فکر حاکم بر جامعه و افق‌های پیش روی آن، نیاز دارد. اما اگر با دقت به تغییرها و تحولاتی موجود در جهان، بنگریم، تحقق آرام این روی کرد را دست‌کم در میان آگاهان و روشن‌فکران جهان، می‌بینیم؛ یعنی بر شمار کسانی که درباره مسئله «جهان‌وطنه» می‌اندیشند، هر روز افزوده می‌شود و موضوع «جهانی‌شدن»، «جهان‌وطنه» و «جهان‌شمولي»، رفته رفته به فرهنگی جهانی بدل می‌گردد.

جامعه شیعه در وضع کمایش مساعد کنونی می‌تواند با درک صحیح ضرورت‌ها و نقش آفرینی و مدیریت تأثیرگذار در افکار مردم جهان، این وضع را به فرصتی بدل کند و با تبیین جاذبه‌ها و ویژگی‌های اندیشه مهدویت و تعریف نظریه حکومت عدل جهانی اسلام، به تنها تئوری نجاتبخش، زمینه فرآگیر شدن این اندیشه الهی را در جهان، فراهم سازد.

این نوع از آمادگی، ویژه شیعیان، معتقدان و پیروان امام

عصر و زمینه‌سازان ظهور اوست.

آن افزون بر بایسته‌های پیشین، به تقویت بنیان‌های اعتقادی و آمادگی دفاعی شیعیان در عصر انتظار، باید پیردازند و در زمینه‌های زیر بکوشند:

۱. نهادینه‌سازی فرهنگ مهدوی

احیای فرهنگ مهدوی در عصر انتظار، به معنای بدل کردن عقیده و باور به پدیده‌ای فرهنگی - اجتماعی است به گونه‌ای که آثار آن در همه عرصه‌ها و محیط‌ها، نمایان گردد. روشن است که نهادینه شدن این تفکر، کار دشواری است و به تمرین مستمر فرهنگی در سطح‌های گوناگون جامعه، نیاز دارد؛ زیرا اگر مسئله‌ای از دین و اعتقاد مردم سرچشمme بگیرد، اندیشه‌ساز و الگوپرداز خواهد بود. برتری منطق اسلام و اندیشه مهدویت بر دیگر مکتب‌ها و اندیشه‌های، بر پایه‌ای فرهنگی استوار است؛ زیرا ماهیت اندیشه مهدویت، دینی - فرهنگی است و نفوذ و چیرگی اسلام در عصر ظهور نیز، نه غلبه‌ای قهری و نظامی که چیرگی فرهنگی - تمدنی است.^۱

مفهوم فرهنگی و ارزشی انتظار، بیش از یازده قرن در فرهنگ تشیع وجود داشته و در ساختار اندیشه سیاسی و انقلابی، ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش آنان به آینده تأثیر گذاشده است.

از این روی، آمادگی برای احیای فرهنگ مهدوی در جامعه، موجب انگیزش مردم به حرکتی اصلاح‌گرایانه در زندگی آنان خواهد شد و رفتار فرهنگی معینی در پی خواهد داشت.

۲. تربیت یاوران

عوامل گوناگونی باعث غیبت امام و محروم ماندن مردم از نعمت حضور او شده‌اند. پایان یافتن دوران غیبت و تحقق ظهور امام زمان نیز، به رفع موانع و تحقق زمینه‌های آن مشروط است. یکی از این زمینه‌ها، وجود یاورانی است که همراه با امام، بار سنگین قیام را بر دوش می‌گیرند و تا پایان از همراهی و یاری رهبر خود دست برنمی‌دارند و او را تنها نمی‌گذارند. وجود این گروه فداکار و پیش‌آهنگان جان‌بازی و حامیان نهضت جهانی حضرت مهدی، در جامعه از نخستین عناصر قیام او به شمار می‌رود. این ضرورت نیز، بر اصل طبیعی بودن قیام و پیروزی آن حضرت استوار است. چنان‌که برخی از روایت‌ها بدان اشاره کرده‌اند. سدیر صیرفى می‌گوید:

همراه امام صادق بودم، با توجه به کثرت شیعیان و اطرافیان امام ، از حضرت درباره علت عدم قیام ایشان علیه حکام جور وقت، پرسیدم. حضرت مرا به خارج مدینه برداشت تا آن که وقت نماز، در محلی پیاده شدیم. جوانی در آن محل مشغول چراندن گله بز بود. امام صادق به این گله بز نگاهی کرد و خطاب به من فرمود: ای سدیر! به خدا قسم! اگر من به تعداد این بزها یار و یاور می‌داشتم، بر جای نمی‌نشستم (قیام می‌کردم). بعد از تمام شدن نماز، حیوانات آن گله را شمردم و یافتم که عدد آنها از هفده تجاوز نمی‌کند!^۲

جامعه شیعه در وضع
کمایش مساعد کنونی
می‌تواند با درک
صحیح ضرورت‌ها و
نقش آفرینی و مدیریت
تأثیرگذار در افکار
مردم جهان، این وضع
را به فرصتی بدل کند
و با تبیین جاذبه‌ها
و ویژگی‌های اندیشه
مهدویت و تعریف
نظریه حکومت عدل
جهانی اسلام، به تنها
تئوری فجات‌بخش،
زمینه فراگیر شدن
این اندیشه الهی را در
جهان، فراهم سازد.

۳. آمادگی دفاعی و رزمی

جامعه منتظر که خود را پرچم‌دار ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی در جهان می‌داند، ناگریر به توانایی رزمی و قدرت بازدارندگی در عصر انتظار باید دست یابد؛ زیرا بی‌گمان با انواع سلاح‌های جنگی با هدف براندازی در برابر آن خواهند ایستاد و شیعیان ناچار به نبرد با آنان باید پردازند. برخی از آیات جهاد مانند **وَقَاتُلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ**^{۶۲}، عَبَه همین جنگ اشاره می‌کنند. آن حضرت در این رویارویی، با شمشیر و جنگ نظامی بر دشمنان عنود خود پیروز خواهد شد «و انه ينصر بالسيف».^{۶۳}

مفضل بن عمر می‌گوید:

... قد ذكر القائم فقلت: إنّي لأرجو أن يكون أمره في سهولة فقال لا يكون ذلك حتى تمسحوا العلق والعرق؛^{۶۴}

... خدمت امام صادق بودم سخن از حضرت قائم به میان آمد. من به حضور امام صادق عرض کردم: امیدوارم کار حضرت قائم به آسانی به نتیجه برسد! حضرت در پاسخ من فرمود: چنین نخواهد شد مگر این که شما و طرف‌دارانش در عرق و خون خود، غرق شوید!

بشیر نبال به امام باقر گزارش می‌دهد که مردم می‌گویند هر وقت مهدی قیام کند همه چیز خود به خود درست می‌شود و به اندازه حجامتی، از کسی خون نمی‌ریزد! امام این سخن را نادرست می‌خواند و می‌فرماید:

كلاً و الذى نفسى بيده لو استقامت لأحد عفوًا لاستقامت لرسول الله حين أديت رباعيته و شجع فى وجهه، كلاً و الذى نفسى بيده حتى نمسح نحن وأنتم العرق والعلق؛^{۶۵} سوگند به آن خدای که جانم در دست اوست! اگر اصلاح امور بدون خون‌ریزی و مشکلات ممکن بود، چنین چیزی برای پیامبر اکرم عملی می‌گردید. هنگامی که دندانش شکست و صورتش مجروش گردید. به خدا قسم که هرگز این موفقیت حاصل نشود مگر این که ما و شما (یعنی شیعیان و پیروان مهدی) در عرق و خون خود، غرق شویم!

بنابراین، جامعه در سطح کلان، از گنجایی لازم برای پذیرش دولت فraigیر و جهان‌شمول حق باید برخوردار باشد؛ یعنی همه مردم جامعه بشری به این درجه از معرفت باید برسند که حکومت‌ها و مکتب‌های ساخته بشر را در پاسخ‌گویی به نیازهای مردم و فراهم آوردن زمینه سعادت و عدالت، ناتوان بیینند. ظهور انقلاب جهانی مهدی تنها با فraigیر شدن ویژگی عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی رخ خواهد داد.

یکی از مهم‌ترین علل تأخیر در رسیدن فرج و ظهور، نبود یاران و یاوران کافی در میان شیعیان آن حضرت است و برای تربیت چنین افراد، چاره‌ای جز آماده شدن و امر به معروف و نهی از منکر به منظور برپایی حکومت حق بر روی زمین و رسیدن فرج با ظهور امام نیست؛ زیرا انقلابی که به رهبری امام مهدی برپا خواهد شد، جهانی و همگانی است و پس از آن مستضعفان و محروم‌مان، سرپرستی جامعه بشری را بر عهده خواهد داشت:

وَرُيدُ أَنْ نَمَنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضْعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ^{۶۶}

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فروdest شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ^{۶۷}

زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ^{۶۸}

و در زمین، قدرت‌شان می‌دهیم.

مؤمنان و مستضعفان در این مرحله از تاریخ، همه قدرت و ثروت طاغوت‌ها را به ارث خواهند برد و بر پنهانه زمین سلطه خواهند یافت. حضرت مهدی زمین را از لوث جور و ظلم پاک می‌کند و عدل و داد را در جای آنها می‌نشاند. «يملاً الأرض عدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً» و جایی در شرق و غرب جهان نمی‌ماند که در آن ندای «لا إله إلا الله» پراکنده نگردد.^{۶۹} روشن است که چنین انقلاب و اصلاح فraigیر، در مرحله نخست، به حمایت مؤثر آن فداکاران و یاوران نیاز دارد.

این دسته از روایت‌ها، سختی پیکار پیروان و یاران حضرت مهدی را در هنگام ظهور نشان می‌دهند و بر لزوم و اهمیت آمادگی دفاعی و نظامی آنان تأکید می‌کنند. امام صادق درباره حداقل آمادگی چنین می‌فرماید:

لِيَعْدَنَ أَحَدُكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ وَلَوْ سَهِّلَهَا فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نِسْبَتِهِ رَجُوتَ لَأْنَ يَنْسِيَ عَفْيَ عُمْرِهِ حَتَّى يَدْرِكَهُ وَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ^{٤٤}

باید هر کدام از شما در عصر غیبت خود را برای قیام قائم آماده نمایید حتی با تهیه و تجهیز یک تیر، چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت نصرت و یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است، شاید توفیق درک ظهور او را به او بدهد و او را از یاوران مهدی قرار دهد.

تكلیف آمادگی، ویژه زمان و اوضاع خاصی نیست، بلکه سراسر دوران انتظار را دربر می‌گیرد.

براساس این روایات، جامعه منتظر، همواره به آمادگی نظامی و دفاعی، و تهیه ابزار جنگ و قدرت، فراخوانده شده است. چه این‌که، صریح برخی از آیات قرآن نیز بر ضرورت آمادگی دفاعی به اندازه بالاترین توان و استطاعت، تأکید کرده‌اند:

وَأَعُدُّوا لَهُمْ مَا أُسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ^{٤٥}

تا می‌توانید خود را با ابزار قدرت، توانمند و تجهیز نمایید.

تأکید این آیه شریفه تنها به ضرورت آمادگی و تقویت توان دفاعی و بازدارندگی اشاره نمی‌کند، بلکه اطلاق دارد و وضع تهاجمی را نیز در برابر می‌گیرد و معنای «ترهبون به عدو الله و عدوکم» این است که توانایی و قدرت دفاعی، به طور طبیعی دشمن را از تهدید کردن باز می‌دارد.

تأکید بر ضرورت آمادگی همیشگی از پایین‌ترین (ولو سهیماً) تا بالاترین حد آن (من قوّة)، حد آن، نشان می‌دهد که کارهای جهان خود به خود درست نمی‌شوند و مشکلات و دشواری‌های پیش روی بشر، بدون هیچ رنج، تلاش، جهاد و حرکتی، حل نمی‌گردند، بلکه رسیدن به هدف‌های عالی، به جهاد و تلاش پیوسته نیاز دارد. شیعیان و منتظران امام مهدی، پیش‌روان دفاع و پاس‌داری از آرمان ظهور و می‌شران ظهور منجی، مؤظفند برای به دست آوردن توان دفاعی و امکانات نظامی و تسیل‌حاتی لازم، به منظور رویارویی با خطرهای آینده و یاری‌رسانی آن حضرت بکوشند و به آنها بی‌اعتنایی یا کم‌توجهی نکنند! بنابراین شیعیان با توجه به تأکید آیات و روایات و فرمان عقل و خرد، به تقویت استعداد، آمادگی دفاعی و تربیت مهدی‌یاوران مؤمن باید پردازند تا زمینه‌های ورود به عصر ظهور فراهم آید.

۴. آمادگی‌های فن‌آورانه و ارتباطی

پیش‌رفت فن‌آوری‌های رو به رشد در زندگی بشر، تأثیر فراوانی در ایجاد ارتباطات جهانی

مفهوم فرهنگی و ارزشی
انتظار، بیش از یازده
قرن در فرهنگ تشیع
وجود داشته و در
ساختار اندیشه سیاسی
و اقلایی، ساختار ذهنی،
اسلوب اندیشه، شیوه
زنگی و چکونگی نکردن
آنان به آینده تاثیر
گذارده است.
از این روی، آمادگی
برای احیای فرهنگ
مهدوی در جامعه، موجب
انگیزش مردم به حرکتی
اصلاح‌گرایانه در زندگی
آنان خواهد شد و رفتار
فرهنگی معینی در پی
خواهد داشت.

و یک پارچگی کشوارها داشته است. چه این که نقش بی‌بدیل هم‌چنین تأثیر ابزار، فنون و دست‌آوردهای علمی را در مدیریت پیچیده امروز و فردای بشر، هرگز نادیده نمی‌توان انگاشت.

ممکن است برخی از افراد بیندارند که رسیدن به مرحله کمال اجتماعی و جهان آکنده از صلح و عدالت، تنها با نابودی فن‌آوری‌های نو امکان‌پذیر است.^{۶۶} شاید این پندار تلقی از نگرش سطحی به روایت‌هایی درباره قیام آن حضرت با شمشیر سرچشم‌گرفته باشد. اما باید دانست که این عنوان‌های نامدین با توجه به دیگر قرینه‌ها و روایت‌های موجود، نشان دهنده استفاده حضرت از وسائل سریع السیر فضایی و... است.

از این‌رو، پیش‌رفته‌های روزافزون علم و فن‌آوری بشر، نه تنها مانع یا مزاحم شکل‌گیری حکومت عدل جهانی نیست، که بدون آنها، شاید دست‌یابی به هدف‌های ظهور ناممکن باشد؛ زیرا برای ایجاد، مدیریت و کنترل نظامی فراگیر و گسترده، فن‌آوری‌های پیش‌رفته و وسائل و دست‌آوردهای فرامدرن علم و صنعت، لازم و ضروری است.

مضافاً بر این که عصر آخرالزمان، عصر حاکمیت علم و آگاهی بر جهان است و جامعه برخوردار از پیش‌رفت علم و صنعت، با بهره‌گیری از ابزارهای پیچیده ارتباطی به تعامل اجتماعی می‌پذیرد. مدیریت این جامعه دشوار و به ابزارهای پیش‌رفته نیازمند است. از این‌رو، انقلاب جهانی حضرت مهدی نیز با اعجاز یا به کارگیری نیروهای قهری و آسمانی روی نمی‌دهد، بلکه به گونه‌ای طبیعی و با بهره‌گیری از ابزارهای موجود جهان را فرا می‌گیرد.

زمینه‌سازی

انقلاب امام مهدی ، با هدف گستراندن «توحید» و «عدالت» در جهان دگرگونی‌های فراگیری در آن پدید می‌آورد. اگر زمینه‌ها، امکانات و بسترها کمی و کیفی این انقلاب بزرگ فراهمن نیایند، چنین دگرگونی فراگیر نیز تحقق نمی‌یابد. معنای «زمینه‌سازی» تنها ادای تکلیف‌ها و وظیفه‌های شرعی نیست، بلکه مقصود از آن آماده‌سازی مجموعه گزاره‌ها، اندیشه‌ها، طرح‌ها، کارکردها دستورالعمل‌ها، روی‌کردها، و دیگر عوامل مؤثر

در تعجیل ظهور است.

برخی از بایسته‌ها و وظیفه‌های منتظران بویژه آمادگی فردی و اجتماعی آنان، در بخش نخست بررسی شد. این نوشتار به موضوع «زمینه‌سازی» و تأثیر آن در پدیده ظهور می‌پردازد.

ضرورت زمینه‌سازی

یکی از وظایف مهم، زمینه‌سازی و تمهید مقدمات ظهور است. به همین جهت، در برخی از روایت‌ها پیروان و منتظران ظهور امام عصر ، را «زمینه‌سازان ظهور» خوانده‌اند و بی‌گمان این گروه مؤثر در فراهم‌سازی مقدمات ظهور و تحقق حکومت عدل جهانی مهدوی، از جایگاه بسیار ارجمندی برخوردار خواهند بود.

آن‌چه در عصر انتظار و دوره غیبت امام عصر ، ضرورت دارد و در فهرست کارهای جامعه منتظر باید قرار گیرد، عمل به بایسته‌های اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اندیشه انتظار و فراهم‌سازی زمینه‌های ظهور امام عصر است؛ یعنی مسئله زمینه‌سازی و تلاش برای رفع موانع ظهور، در معنا و ماهیت انتظار، نهفته است و این واژه، حضور مردم را در صحنه و تلاش عملی آنان را برای تغییر وضع موجود و تحقق آن دگرگونی بزرگ دربر دارد. قوت و شدت این انتظار نیز، به اندازه دست‌مایه‌های موجود برای تحقق ظهور امام وابسته است.

بنابراین، انتظار ظهور واقعی و زمینه‌سازی و تلاش برای اجرایی شدن هدف‌های بزرگ دینی و فراهم آمدن مقدمات حکومت مهدوی، در هم تبیه‌اند به گونه‌ای که سخن گفتن از انتظار و آرزوی رسیدن به آرمان ظهور، بدون توجه به زمینه‌سازی برای تحقق آن، نامفهوم است.

رابطه زمینه‌سازی و ظهور

پیوند ناگسستنی «زمینه‌سازی» و «ظهور»، بر پایه تحلیلی فلسفی - کلامی درباره ساختار فکری و عملی انسان و حوزه تأثیرگذاری درونی و پیرامونی عنصر «اراده» و «اختیار» او در شکل‌گیری حیات انسانی، استوار است.

این تحلیل با پیش‌فرض اختیار و آزادی عمل انسان در انتخاب راه و عمل کرد خویش و سه‌هم وی در تغییر سرنوشت خود، نشان می‌دهد که گسترده‌گی حوزه تأثیرگذاری و نفوذ آدمی در این عالم

و روی کرد مثبت اراده و خواست جمعی بشر، در تحقیق پدیده ظهور، بسیار تأثیر می‌گذارد. روشن است که هر انسانی به طور فطری، وجود آزادی را در خود حس می‌کند؛ زیرا خداوند حکیم بر پایه سنت الهی، او را آمیزه‌ای از تعقل، آگاهی، اراده و اختیار قرار داده و تعیین مسیر زندگی و ایجاد تغییر را در آن نیز به وی واگذار کرده است.

از این‌رو، ضروری است که در بحث زمینه‌سازی ظهور و عوامل مؤثر در تأخیر یا تعجیل در تحقق آن، به حرکت اختیاری انسان‌ها و نوع تعامل آنان با این موضوع، توجه شود.

ارتباط دو سویه زمینه‌سازی و ظهور همانند تعامل موجود در میان پدیده‌هایی است که رابطه‌ای سیستمی و ترتیبی با یکدیگر دارند؛ یعنی سرعت بخشیدن یا تأخیر اندختن در رخداد ظهور نیز مانند پدیده‌های بهبودی بیماری، اجرای طرح‌های عمرانی، علمی و تجاری، پیروزی بر دشمن و رهایی از فقر، به میزان نقش آفرینی خود انسان وابسته است و دست‌یابی جامعه بشری به عدالت و بهره‌مندی آن از موهاب حکومت عدل‌پرور مهدوی، تنها با پیروی از قواعد حاکم بر نظام زندگی امکان‌پذیر خواهد بود.

زمینه‌سازان ظهور در روایات

گفته شد که برخی از روایات به وضع و رخدادهای آخرالزمان و قیام‌ها و حرکت‌های اصلاحی شیعیان اشاره کرده‌اند و پاره‌ای از آنان را «زمینه‌سازان ظهور» خوانده‌اند.

بی‌گمان زمینه‌سازی و کوشش مؤثر برای ایجاد مقدمات ظهور، با توجه به اوضاع نامساعد کنونی، در سطحی سراسری و جهانی امکان‌پذیر نیست. بلکه این کار، برآیند مجموعه‌ای از تلاش‌های خاص است که به دلیل رشد روزافزون درک عمومی، با طرح اندیشه ظهور منجی و تشکیل حکومت عدل جهانی، به پدیده‌ای فراگیر و خواسته‌ای مشترک و همگانی بدل می‌شود و افکار عمومی نیز، با آن همراهی خواهند کرد. آن‌گاه زمینه ظهور و تحقق هدف‌های بزرگ آن حضرت فراهم خواهد شد.

درباره چیستی و کجا‌ای گروه پیش‌گامان زمینه‌ساز انقلاب مهدوی، دو دسته روایت وجود دارد:

۱. روایت‌هایی که به قیام‌ها و حرکت‌های اصلاحی در آخرالزمان یا در آستانه ظهور اشاره می‌کند؛

این روایتها از خیش مصلحانه یمنی‌ها به رهبری شخصی مصلح با نام «یمانی» و قیام حق طلبانه اهل خراسان (ایران) به رهبری یکی از سادات معروف به «خراسانی»، یاد کرده و رهبران آنها را ستوده‌اند. این دو قیام با دعوی حق طلبی و دعوت مردم به سوی حضرت مهدی، به انگیزه زدودن موانع ظهور آن حضرت، صورت می‌پذیرند.

امامان با به کار بردن عبارت‌هایی مانند: «لیس فی الرایات أهدى من رایة الیمانی»، «هی رایة هدی»، «یدعوا إلى الحق و إلى طريق مستقيم»،^۶ «فإن رايته رایة الحق» و «لأنّه يدعوا إلى صاحبکم»،^۷ در این‌باره و مطلق اوردن کلمه‌های «هدی» و «أهدی» در آنها و نیز سخنانی که در تعلیل انگیزه‌های قیام یمانی گفته‌اند، بر مشروعیت کامل این

ممکن است برخی از افراد بپندارند که رسیدن به مرحله کمال اجتماعی و جهان آکنده از صلح و عدالت، تنها با نایابی فناوری‌های نو امکان‌پذیر است.^۸ شاید این پندار تلقی از نگرش سطحی به روایت‌هایی درباره قیام آن حضرت با شمشیر سرچشمه گرفته باشد. اما باید دانست که این عنوان‌های نمادین با توجه به دیگر قرینه‌ها و روایت‌های موجود، نشان دهنده استفاده حضرت از وسائل سریع‌السیر فضایی و... است.

قیام‌ها تأکید کردند.

گفتنی است این دو قیام و نهضت زمینه‌ساز، در آستانه ظهور و هم‌زمان با خروج سفیانی در جبهه کفر، رخ خواهند داد. ابوصیر در این باره از امام باقر چنین نقل می‌کند:

خروج السفیانی و الیانی و الخراسانی فی سنت واحده، فی شهر واحد، فی یوم واحد، نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضاً؛^{۶۹}
خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک‌سال و یک‌ماه و یک‌روز خواهد بود مانند گردن بنده که دانه‌های آن منظم و یکی از پی دیگری است.

امام صادق نیز درباره هم‌زمانی و رقابت یمانی با سفیانی می‌فرماید:

الیانی و السفیانی کفرسی رهان؛^{۷۰}
یمانی و سفیانی [هنگام خروج] مانند دو اسب که مسابقه می‌دهند، هر یک سعی می‌کنند بر دیگری سبقت جویند.

... حتی یخراج عليهم الخراسانی و السفیانی هذا من المشرق و
هذا من المغرب یسبقان الى الكوفة کفرسی رهان؛^{۷۱}
تا آن گاه که خراسانی و سفیانی یکی از مشرق و دیگری از مغرب مانند اسبانی که مسابقه می‌دهند، یکی از این طرف و دیگری از آن طرف سعی می‌کنند زودتر وارد کوفه شوند.

۲. روایت‌هایی که از تحقق قیام و انقلابی در آخر الزمان خبر می‌دهند:

این قیام‌ها برپایی حکومت عدل جهانی امام مهدی را به دنبال خواهند داشت. پیامبر اکرم درباره این نهضت زمینه‌ساز می‌فرماید:

یخراج ناس من المشرق^{۷۲} فیوطون (یمهدون) للمهدي
سلطانه؛^{۷۳}

مردمی از مشرق‌زمین، در آینده به قیام و انقلابی برخواهند خواست و مقدمات حکومت و ظهور مهدی را فراهم خواهند نمود.

این حدیث شریف نبوی که در منابع روایی شیعه و سنی آمده، این توفیق و افتخار بزرگ را از دست‌آوردهای انسان‌های پاک‌سرشت در

مشرق‌زمین، خوانده است و افزون بر یادآوری رسالت بزرگ آنان در آینده و شرکت عاشقان و شیفتگان آن حضرت را در این پیکار بزرگ و سرنوشت‌ساز بشارت می‌دهد.

کلمه «مشرق» در این روایت عام است و روایت‌های دسته نخست به شهر یا منطقه جغرافیایی خاصی از مشرق مانند «خراسان» (شهرهای ایران، افغانستان و قسمت‌های از شرق میانه در گذشته) اشاره می‌کنند. اما به هر روی این روایتها درباره حرکت‌های نیرومند شیعیان در آخرالزمان از مناطق شرقی با هدف تشکیل جبهه حق، زمینه‌سازی مقدمات ظهور، سستیز با قدرت‌های باطل، برپا ساختن حکومت عدل مهدوی در جهان و تحقق بخشیدن به الگوهای آن در جامعه سخن می‌گویند. درخشش جهانی شیعه و ظهور مصلح جهانی، از آثار این حرکت مبارک و انقلابی، تأثیرگذار و تحول‌آفرینند. این روایت بر پایه برخی از شواهد روایی و دیگر قرینه‌ها بر انقلاب زمینه‌ساز و اسلامی شیعیان ایران به رهبری امام خمینی، تطبیق شده است. اما در این باره به طور قطعی نمی‌توان داوری کرد.

بنابراین، بدون توجه به مصدقه‌های این حدیث به دو نکته زیر باید توجه کرد:

۱. قیام‌های حق طلبانه و آخرالزمانی مشرقیانی مانند یمانی، خراسانی، شعیب بن صالح و...، در تأثیرگذاری مثبت در زمینه‌سازی برای ظهور حضرت مهدی مشترکند. ولذا امامان با عبارت «یوطئ للمهدي سلطانه»،^{۷۴} رهبران آنها را ستوده‌اند.

۲. حرکت‌های انقلابی و زمینه‌ساز مردمان مشرق‌زمین به دلیل گستره زمانی، زیرساخت‌ها و تأثیرهای پیرامونی و جهانی آنها با دیگر قیام‌های مقطعی و ناگهانی تحقق‌یابنده در آستانه ظهور متفاوتند. شاید این قیام‌های واکنشی، خودجوش و دفعی در آن مقطع خاص آستانه ظهور، در برابر بی‌دادگری‌های جبهه سفیانی شکل بگیرد. اما قیام زمینه‌ساز برای حکومت جهانی مهدوی، به انگیزه هدایت‌گری و جریان‌سازی صورت می‌پذیرد و در روندی درازمدت و نظاممند، در عرصه‌های گوناگون فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، در سطح جهانی و بین‌المللی، تأثیر می‌گذارد. چنین نهضت به حرکت فraigیر، اصیل و نهادینه شده‌ای نیاز دارد تا در فرآیندی ویژه، روی کرد عدالت‌خواهی و حق‌گرایی را در سطح فرامنطقة‌ای و جهانی، نمایان سازد. این ویژگی در قیام‌های دفعی یمانی، خراسانی و...، دیده نمی‌شود.



- * . سطح چهار حوزه، مدرس مرکز جهانی.
- ۱ . موضوع فرآیندپذیری رخداد ظهور و تأثیر عامل انسانی در پیش افکنند آن، در شماره پیشین تحت عنوان «نقش مردم در تعجیل ظهور» بررسی شد.
- ۲ . کفاية الاتر، ص ۲۹۶.
- ۳ . مسند احمد، ج ۴، ص ۹۶؛ علل الدارقطني، ج ۷، ص ۳۴؛ مجمع الزوائد: کنز العمال، ج ۱، ص ۱۰۳؛ همان، ج ۶، ص ۵۶؛ تفسیر عیاشی، ج ۵، ص ۳۰؛ تصریح الحقائق الحق، ج ۱۳، ص ۸۵.
- ۴ . تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۳۰.
- ۵ . الاسناد، ص ۳۵۱.
- ۶ . الامامة والتبصرة، ص ۱۰.
- ۷ . اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۲.
- ۸ . بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۸.

- را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.» (سوره آل عمران، آیه ۲۰۰)
۴۳. نعمانی، الغيبة، ص ۳۴ و ص ۲۰۶؛ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۵، ص ۶۷.
۴۴. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.
۴۵. مفاتیح الجنان، دعای امام زمان .
۴۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱.
۴۷. همان، ص ۱۱۰؛ میزان الحكمة، ج ۱، ص ۱۸۳.
۴۸. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۳۳۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۳.
۴۹. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۰۰.
۵۰. نعمانی، الغيبة، ص ۲۷۱.
۵۱. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۳۳۶.
۵۲. سوره عنکبوت، آیه ۲.
۵۳. حکومت جهانی مهدی ، ص ۸۱.
- نک: فصل نامه علمی تخصصی انتظار، ش ۱۶، ص ۱۷۹.
۵۴. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۰.
۵۵. سوره قصص، آیه ۵.
۵۶. سوره قصص، آیه ۶.
۵۷. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۵۸. سوره قصص، آیه ۷.
۵۹. انتظار پویا، ص ۲۷.
۶۰. سوره بقره، آیه ۹۳؛ سوره افال، آیه ۳۹.
۶۱. اعلام الوری باعلام المهدی، ج ۲، ص ۲۳۳.
۶۲. نعمانی، الغيبة، ص ۱۹۳.
۶۳. مکالم المکارم، ج ۱، ص ۷۰.
۶۴. نعمانی، الغيبة، ص ۳۳۵.
۶۵. سوره افال، آیه ۶.
۶۶. نک: حکومت جهانی حضرت مهدی ، ص ۸۴.
۶۷. نعمانی، الغيبة، ص ۴۶۴؛ الادرشاد، ج ۲، ص ۳۷۵؛ مستدرک سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۰۳.
۶۸. اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ کشف الغمة، ج ۳، ص ۲۵۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰.
۶۹. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲.
۷۰. نعمانی، الغيبة، ص ۲۶۴؛ شیخ طوسی، امامی، ص ۶۱.
۷۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۵.
۷۲. در برخی نقل‌ها به جای «ناس»، کلمه «قوم»، ذکر شده است. (نک: مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸؛ معجم الوضیط، ج ۱، ص ۹۴؛ شرح احقاق الحق، ج ۲۹، ص ۴۵۷).
۷۳. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳؛ میزان الحكمة، ج ۱، ص ۳۵۴؛ عصر ظهور، ص ۲۱۹.
۷۴. نک: ابن طاووس، الملاحم، ص ۱۱۸؛ معجم احادیث الامام المهدي ، ج ۱، ص ۳۹۷.
۹. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۴۳.
۱۰. غایة المراحم، ج ۳، ص ۲۲.
۱۱. همان، ص ۲۳۸.
۱۲. نک: آیة الله ابراهیم اینینی، بررسی مسائل کلی امامت؛ آیة الله مصباح بیزدی، راه و راهمنشانی.
۱۳. کفاية الاثر، ص ۲۶۳؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۵۵ و ج ۳۶، ص ۴۰۷.
۱۴. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۱؛ بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.
۱۵. مفاتیح الجنان، دعای عدیله.
۱۶. نعمانی، الغيبة، ص ۱۷۰؛ المصباح المتهجد، ص ۴۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۷ و ج ۵۳، ص ۱۸۷.
۱۷. شرح احقاق الحق و ازحاق الباطل، ج ۱۱، ص ۵۹۴؛ بحار الانوار، ج ۹، ص ۳۱۲ و ج ۲۳، ص ۸۳.
۱۸. المحاسن، ج ۱، ص ۱۵۶؛ بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۸، ج ۲۳، ص ۷۸ و ج ۲۷، ص ۱۲۷.
۱۹. کمال الدین و تمام النعمة، ص ۳۳۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶.
۲۰. مفاتیح الجنان، دعای عهد.
۲۱. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۷۸.
۲۲. حقیقت الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر، فصل هشتم، ص ۱۷۵.
۲۳. همان.
۲۴. سوره آل عمران، آیه ۳۱.
۲۵. الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.
۲۶. بحار الانوار، ج ۳، ص ۱۷۹.
۲۷. طرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲.
۲۸. کشف الغمة فی معرفة الانمیة، ج ۳، ص ۳۳۴؛ النرام الناصب فی انبات الحجۃ الغائب، ج ۱، ص ۲؛ حیاة الامام المهدی ، ص ۱۰۵.
۲۹. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
۳۰. عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۱۳.
۳۱. سوره غافر، آیه ۲۰.
۳۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۰۵.
۳۳. همان، ج ۲، ص ۱۰۶؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴.
۳۴. شیخ طوسی، الغيبة، ص ۱۵۹؛ بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۴.
۳۵. زندگانی خاتم الاصیلاء امام مهدی ، ص ۳۲.
۳۶. فصل نامه انتظار، ش ۸، ص ۱۹۶.
۳۷. تشییع و انتظار، ص ۱۷۲-۱۷۱.
۳۸. انتظار، بایدها و نبایدها، ص ۱۱۷.
۳۹. کمال الدین، ج ۱، روایت دوم؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.
۴۰. در بعضی از نقل‌ها « و هو یائمه به » دارد.
۴۱. نعمانی، الغيبة، ص ۲۰۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۱۷.
۴۲. « ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها